

تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی:

مطالعه بین‌کشوری با رویکرد فازی از سال ۲۰۰۰-۲۰۰۸

دکتر علی ساعی*

افشار کبیری**

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۳۰

چکیده

مسئله این مقاله ناظر بر درجه تفاوت‌پذیری کیفیت حکمرانی است. براساس این مسأله، سؤال تحقیق به صورت زیر بیان شده است: درجه تفاوت‌پذیری کشورهای به لحاظ کیفیت حکمرانی چگونه قابل تبیین است؟ در مقام پاسخ تئوریک به مسأله پژوهش، چارچوب نظری تحقیق به این صورت فرموله شده است: ترکیب عطفی منابع اقتصادی دولت، اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی عوامل تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی می‌باشند.

این تحقیق در بُعد روشی، تطبیقی بین‌کشوری است. واحد تحلیل این پژوهش، کشورها بوده است که با عنایت به تفاوت در کیفیت حکمرانی از

saei.ali1@gmail.com

af.kabiry@gmail.com

* استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

یکدیگر تفکیک شده‌اند. در این تحقیق نمونه‌گیری به معنای روش‌های کمی انجام نشده است، بلکه سعی گردید، براساس استراتژی تمام‌شمار، تمام مورد‌های مرتبط که واجد داده برای انجام مقایسه بودند، مورد بررسی قرار گیرند. روش تحلیل این مقاله، فازی است. یافته‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی بین مجموعه‌ای، دلالت بر آن دارند که اعتماد اجتماعی و درآمدهای غیررانتی دولت؛ تقریباً همیشه شروط علی لازم برای حکمرانی خوب هستند. مشارکت مدنی نیز معمولاً شرط لازم برای حکمرانی خوب است. نتایج واریسی ترکیب علی نیز نشان داد که ترکیب عاطفی درآمدهای غیررانتی دولت با مشارکت مدنی بالا و اعتماد اجتماعی بالا، ترکیب علی تقریباً همیشه لازم برای وقوع حکمرانی خوب است. این ترکیب عاطفی توانست حمایت تجربی ۸۷ درصد از واحدهای تحلیل را کسب کند. فقط ۱۳ درصد از واحدهای تحلیل، ناسازگاری این ترکیب عاطفی با حکمرانی خوب را تأیید کردند. به لحاظ اهمیت تجربی نیز این ترکیب عاطفی دارای اهمیت تجربی بالایی است، زیرا با شاخص پوشش ۰/۷۵، بیشترین فضای خاصیت در مجموعه حکمرانی خوب را به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت که ۷۵ درصد از واریانس کیفیت حکمرانی توسط اشتراک این سه عامل تبیین شده است.

واژه‌های کلیدی: دولت، اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، حکمرانی

خوب، درآمدهای غیررانتی و روش تطبیقی - فازی

بیان مسأله

کیفیت حکمرانی همواره برای اندیشمندان سیاسی و جامعه‌شناسان مهم بوده است. رهبران و مسئولان سیاسی نیز همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند یا کارآمد جلوه دهند. تمام حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیشتر برای شهروندان اعلام می‌کنند، چه آنهایی که فضا را برای مردم، سازمان‌ها و ساختارهای مردمی تنگ کرده و قدرت را در دست خود متمرکز می‌کنند، و چه آنهایی

که آزادی بیشتری برای مردم و شکل‌گیری ساختارها و سازمان‌ها فراهم می‌کنند. همه حکومت‌ها مدعی هستند که بسترسازی می‌کنند تا از طریق بهسازی فردی، اجتماعی و نهادی، زمینه حکمرانی خوب را فراهم کنند. اما تا چه اندازه به این مهم دست یافته‌اند، نیاز به بحث و بررسی دارد.

آنچه امروز حکمرانی خوب نامیده می‌شود، مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم در اندیشه بشر سابقه طولانی دارد. قدمت آن به قدمت تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. ولی این مفهوم به لحاظ کاربردی و تجربی عمر چندانی ندارد و از دهه ۱۹۹۰ به بعد وارد حوزه تحقیقات تجربی در حوزه علوم اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی شده است. از این تاریخ نیز یک ادبیات در حال رشدی مربوط به حکمرانی خوب در حال شکل‌گیری است. این واژه شاید برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی بکار رفته است. از سال ۱۹۸۰ به بعد کاربرد این واژه بیشتر معمول گردید و از دهه ۱۹۹۰ به بعد وارد تحقیقات تجربی در حوزه علوم اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی شده است. هنگامی که بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ گزارش سالانه خود را به حکمرانی خوب اختصاص داد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که مفهوم حکمرانی خوب جایگاه خود را بدین شکل گسترش دهد. بانک جهانی در گزارش خود، برای اولین بار حکمرانی خوب را به‌عنوان کارآمدی و نظام سیاسی پاسخگو تعریف کرد. (Stoo, 1992: 387-394؛ میدری، ۱۳۸۷: ۷۰).

بدلیل جدید بودن این مفهوم به لحاظ کاربردی، با تفسیرهای متفاوتی روبه‌رو بوده است. در ادبیات مربوطه تعاریف متعددی از این مفهوم ارائه شده است. برخی از اندیشمندان حکمرانی خوب را فرایندهای نوین اداره امور عمومی جامعه تعریف کرده‌اند. در برخی کاربردها این واژه با دولت حداقلی^۱، حکمرانی شرکتی^۲، مدیریت

^۱ Minimal State

^۲ Corporate Governance

عمومی نوین، نظام اجتماعی سیبرنتیک^۱ و شبکه‌های خود سازمان شونده^۲ معادل گرفته شده است (ر.ک.به: لفت‌ویچ ۱۹۸۹، ۲۰۰۰؛ پلومتر و گراهام، ۱۹۹۹؛ استاکر، ۱۹۹۸؛ هایدن و همکاران، ۲۰۰۴؛ سویلینگ، ۱۹۹۵). برخی آن را با عناصرش معرفی می‌کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر ذیل است: الف) در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان‌ها و مدیریت نیروها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی؛ ب) پویایی محیط‌ها و فرایندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادهای ج) عقلایی کردن نقش دولت؛ د) تقویت افراد، ذی‌نفعان، شهروندان، جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید؛ ه) ایجاد هم‌افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیررسمی (فرازمند، ۱۹۹۹؛ میدری، ۱۳۸۶؛ قلی‌پور، ۱۳۸۷).

برخی از اندیشمندان و پژوهشگران نیز با بیان ویژگی‌های حکمرانی خوب به ارائه تعریف از آن پرداخته‌اند. آنان معتقدند که حکمرانی خوب دارای ویژگی‌های زیر است: الف) وجود و تقویت ساختارهای دمکراتیک در جامعه؛ ب) شفافیت، پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت جویانه؛ ج) توجه و واکنش به درخواست‌های شهروندان؛ د) ایجاد خط و مشی‌های مناسب اقتصادی برای تسهیل توسعه؛ ه) احترام به قانون و حاکمیت قانون (تایلور، ۲۰۰۰؛ مویس، ۲۰۰۱؛ ویس، ۲۰۰۰؛ تیسدل، ۱۹۹۸؛ میدری، ۱۳۸۶؛ به نقل از: قلی‌پور، ۱۳۸۷). گافمن، کری و مستروزی حکمرانی خوب را با تأکید بر ویژگی‌های این گونه تعریف کرده‌اند: حکمرانی خوب دارای ویژگی‌هایی از قبیل پاسخگویی دولت و حق اظهار نظر قائل بودن برای شهروندان، قانون مداری و حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی و نبود خشونت، مساوات‌طلبی، شفافیت و مسئول بودن می‌باشد. (ر.ک.به: دانیل گافمن، آرت کری و ماسیمو مستروزی،

^۱New Public Management

^۲Socio- Cybernetic System

^۳Self-Organizing Networks

۲۰۰۹). مرور تعاریف حکمرانی خوب نشان می‌دهد که در دل این مفهوم، ساختارهای دمکراتیک، کارآمدی، پاسخگویی و حاکمیت قانون وجود دارد.

در باب دلالت معنایی حکمرانی باید گفت، حکمرانی در ذات خود تعامل بین دولت و شهروندان را دارد. حکمرانی به پویاها یا فرایندهای تصمیم‌گیری در جامعه، چگونگی توزیع قدرت و نحوه روابط دولت و شهروندان (افراد و گروه‌ها) اشاره دارد. به‌گونه بنیادین، حکمرانی در پیوند با چگونگی کاربرد قدرت، تعامل و پاسخگویی معنا می‌یابد. به‌لحاظ مفهومی حکمرانی ناظر بر عملکرد نهادی، کارآمدی حکومت و کیفیت مدیریت در جامعه است. در این نوشتار منظور ما از حکمرانی خوب، عملکرد نهادی موفق، کارآمدی حکومت و ارائه مدیریت با کیفیت در جامعه است.

حکمرانی دارای سطوح و ابعاد گوناگونی از قبیل محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است، که اگر توجه خود را به سطح ملی و جامعه‌ای آن معطوف کنیم و به مقایسه کشورها به لحاظ کیفیت حکمرانی بپردازیم، درمی‌یابیم که کشورها به لحاظ کیفیت حکمرانی، به‌طرز چشم‌گیری متفاوت هستند. در واقع با وجود عمومیت داشتن شاخص‌هایی از قبیل بی‌ثباتی سیاسی، قانون‌گریزی، خشونت، عدم پاسخگویی دولت، عدم شفافیت، سرکوب صداهای معترض و مخالف در کشورها، الگوها و سطوح آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. البته مهم‌ترین تمایز بین کشورها نه از حیث وجود یا عدم وجود این شاخص‌ها، بلکه از نوع و میزان آنها مایه می‌گیرد. در برخی کشورها شاخص‌های کیفیت حکمرانی به مراتب پایین بوده و شاخص‌های فساد اداری، بی‌ثباتی سیاسی، قانون‌گریزی، خشونت، عدم پاسخگویی دولت، عدم شفافیت، سرکوب صداهای معترض و مخالف به اموری تقریباً عادی در جامعه تبدیل شده‌اند. در اثبات این مدعا می‌توان به شواهد تجربی بانک جهانی استناد کرد. براساس گزارش‌های آماری بانک جهانی، شاخص کیفیت حکمرانی در کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند دانمارک ۹۶، نروژ ۹۶، سوئد ۹۷، آلمان ۹۱ می‌باشد. این شاخص در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کره جنوبی ۷۱/۳، مالزی ۶۲، تایلند ۵۳، ترکیه ۵۰/۷۶، برزیل ۵۰/۱۲ و هند ۴۵/۳۲،

روسیه ۳۹/۶۴، ایران ۳۷/۶۰، ارمنستان ۳۸، پاکستان ۲۸، عراق ۳/۸، نیجریه ۱۵/۳۸ است (گزارش‌های آماری بانک جهانی، ۲۰۱۰). درمقام مقایسه، تفاوت شاخص کیفیت حکمرانی در کشورهای توسعه‌یافته، با بالاترین کشور در حال توسعه؛ در حدود ۳۰ واحد است. یا بین امتیاز کشور ایران با شبیه‌ترین کشورهای در حال توسعه از جمله کره جنوبی، مالزی و ترکیه به ترتیب ۳۳/۷، ۲۶/۶ و ۱۴/۱۰ واحد اختلاف وجود دارد. در حقیقت مسأله این پژوهش، تفاوت‌های آشکار و معنادار در شاخص کیفیت حکمرانی در بین کشورها است. براین اساس سؤال پژوهش را به این صورت می‌توان بیان کرد: تفاوت کشورها به لحاظ کیفیت حکمرانی چگونه قابل تبیین است؟ در پاسخ به این سوال و در مقام حل مسأله دو نوع استدلال اقامه شده است: استدلال نظری و استدلال تجربی. در زیر، ابتدا در پرتو استدلال نظری، راه حل تئوریک مسأله، ارائه و در ادامه از طریق استدلال تجربی درباب آن راه حل داوری شده است.

استدلال نظری

در این بخش مهم‌ترین تلاش، استدلال درباب یافتن دستگاه نظری مناسب برای تبیین تئوریک مسأله است. بررسی ادبیات موضوع نشان داد که در تبیین کیفیت حکمرانی، دو مجموعه از رهیافت‌های نظری را می‌توان کم و بیش از هم تمیز داد. حوزه مطالعاتی حکمرانی خوب، بدلیل جدید بودن موضوع و تنوع دیدگاه‌ها نسبت به آن - مانند بیشتر موضوعات در علوم اجتماعی - فاقد یک تئوری عام و مورد توافق است. دراین پژوهش دو رویکرد نظری برای تحلیل و توضیح آن آورده شده است.

الف) رویکرد فرهنگی - اجتماعی: براساس این رویکرد، شرط لازم حکمرانی خوب و کارایی یک حکومت، وجود فرهنگ و زندگی مدنی است (ر. ک. به: توکویل، ۱۹۹۴، ۱۸۳۷؛ دیویدا استون، ۱۹۶۵؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ هابرماس، ۱۹۸۷؛ اینگلهارت، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵؛ پاتنام، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰؛ نوریس، ۲۰۰۲؛ نیوتن، ۱۹۹۷، ۲۰۰۴؛ اسلانر و دکر،

۲۰۰۱؛ گروتارت ۲۰۰۳). توکویل از جمله نخستین اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بود که میان نهادهای اجتماعی و ویژگی‌های سیاسی پیوند برقرار کرد. توکویل آغازگر دیدگاهی شد که امروزه نوتوکویل‌گرایان از جمله رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما ادامه دهنده آن هستند. این دیدگاه براهمیت سنت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع که از آنها با عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود و تأثیر آن بر عملکرد موفق نهادهای سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. توکویل در اثر خود با عنوان دموکراسی در آمریکا، وجود فرهنگ مشارکتی جمعی و تجلی آن یعنی وجود انجمن‌های داوطلبانه انبوه و متنوع مردمی را مهم‌ترین عامل موفقیت حکومت در آمریکا می‌نامد. وی معتقد است که کارآمدی حکومت نیازمند پیوند مدنی و انجمن‌های اجتماعی واسط میان فرد و حکومت هستند. در غیاب جامعه مدنی و انجمن‌های اجتماعی، جامعه توده‌ای می‌شود (توکویل، ۱۸۳۷ و ۱۹۹۴ به نقل از آرون، ۱۳۸۶).

دیوید ایستون در نظریه سیستمی خود به رابطه و تعامل نظام سیاسی با جامعه پرداخته است. ایستون معتقد است که با افزایش انجمن‌های اجتماعی و تقویت جامعه مدنی در قالب تقاضاها و حمایت‌ها از نظام سیاسی، می‌توانند با تأثیر بر تصمیمات و کنش‌های دولت، بر کارآمدی و پاسخگویی نظام سیاسی بیفزایند (ر.ک.به: دیوید ایستون، ۱۹۶۵ و ۱۹۵۳ به نقل از چیلکوت، ۱۳۷۷).

آلموند و وربا در مطالعه خود درباره فرهنگ مدنی، استدلال کرده‌اند اعتماد اجتماعی، تساهل و احساسات کارآمد که نمایانگر فضایل مدنی هستند، موجب کارکرد مؤثر نهادهای دموکراتیک و کارآمدی حکومت می‌شوند (ر.ک.به: آلموند و وربا ۱۹۶۳ به نقل از چیلکوت، ۱۳۷۷).

در دستگاه نظری هابرماس جامعه شامل نظام و زیست جهان است. نظام شامل خرده نظام سیاسی و خرده نظام اقتصادی است و زیست جهان هم که فضای کنش ارتباطی است، محل خیزش و تولید اعتماد اجتماعی و محل فعالیت انجمن‌های مدنی است. براساس دیدگاه هابرماس، کیفیت حکمرانی زمانی بهتر خواهد شد که زیست

جهان قوی گردد و نظام، توان استعمار زیست جهان را نداشته باشد و تناسب اقتدار بین نظام و زیست جهان ایجاد گردد (ر.ک. به: هابرماس، ۱۹۸۷، ۱۳۸۴؛ ریتزر، ۱۳۸۳).

به نظر رونالد اینگلهارت میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک به فرهنگ مدنی، ارزش‌های ابراز وجود (عضویت انجمنی) و اعتماد بستگی دارد. وی تغییرات میزان کارآمدی نهادهای دموکراتیک در بین جوامع را با این عوامل تبیین کرده است (اینگلهارت، ۲۰۰۵).

رابرت پاتنام استدلال کرده است، سرمایه اجتماعی بالا به حکمرانی خوب می‌انجامد. از سوی دیگر حکومت‌های خوب بهتر می‌توانند سرمایه اجتماعی را حفظ و کمتر آن را تخریب می‌کنند. پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی می‌تواند، کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های جمعی هماهنگ، بهبود دهد. از نظر رابرت پاتنام عناصر سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب و پیشرفت اقتصادی و سیاسی را تضمین می‌کند. این عناصر عبارتند از: الزامات اخلاقی و هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بویژه انجمن‌های داوطلبانه (پاتنام، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۰).

پینانوریس معتقد است که تئوری سرمایه اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است. نوریس سرمایه اجتماعی را شرط بهبود عملکرد دموکراتیک یک جامعه می‌داند ولی معتقد است که ترکیب اعتماد اجتماعی با مشارکت مدنی در انجمن‌ها به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی اثر یکسانی بر کیفیت حکمرانی ندارد بلکه بیشترین اثر مربوط به اعتماد اجتماعی است نه فعالیت مدنی (نوریس، ۲۰۰۰؛ ۲۰۰۱).

گروتارت سرمایه اجتماعی را مولفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش می‌داند که، چرا برخی از جوامع نسبت به جوامع دیگر موفق‌تر هستند؟ به نظر گروتارت سرمایه اجتماعی موجب داشتن حکومت خوب و کارآمد می‌شود. (گروتارت، ۲۰۰۲).

به نظر اسلانر و دکر کشورهایی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند، عملکرد حکومتی مناسب‌تر و رونق بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر خواهند

داشت. این افراد معتقدند که در جوامعی که میزان مشارکت در امور مدنی بالا است، حکومت کیفیت بهتری دارد (اسلانر و دکر، ۲۰۰۱؛ سردارنیا، ۱۳۸۷؛ غفاری، ۱۳۸۴).

به نظر نیوتن در شرایط سرمایه اجتماعی بالا، شهروندان جهت‌گیری معطوف به اجتماع دارند، قانون‌مدارند و با دولت همکاری بهتری دارند. اساساً اجرای سیاست‌ها در جامعه‌ای که دارای سرمایه اجتماعی بالاست. به راحتی صورت می‌گیرد و برعکس (ر.ک.به: نیوتن، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۴؛ سردارنیا، ۱۳۸۷؛ شارع‌پور، ۱۳۸۶).

مکلارین و مافونیسکا در آزمون الزام سرمایه اجتماعی در کارآمدی حکومت، ضمن ارزیابی و آزمون تئوری پاتنام، برای عملیاتی کردن سرمایه اجتماعی از ابعاد میزان درگیرشدگی مدنی، عضویت و همکاری شهروندان با گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب و میزان اعتماد اجتماعی شهروندان استفاده کرده‌اند (مافونیسکا، ۲۰۰۴؛ مک لارین، ۲۰۰۶؛ سردارنیا، ۱۳۸۷).

وینود توماس معتقد است که سرمایه اجتماعی از عوامل مهم مؤثر بر حکمرانی خوب به‌شمار می‌آید. نظارت جامعه مدنی بر تصمیم‌گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این امور، یک موازنه‌سازی و ابزار مهم برای بهبود حکمرانی است. این فرایند باعث شفاف شدن دولت در منظر مردم و افزایش اختیارات شهروندان برای ایفای یک نقش فعال می‌شود (توماس، ۲۰۰۰).

بررسی سمپسون و همکارانش نیز نشان داده است که پیوندهای اجتماعی، تراکم و فشرده‌گی انجمنی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند به درگیرشدگی و مشارکت مدنی بیشتر شهروندان در پیوند با حکمرانی خوب بینجامد (سمپسون و همکاران، ۲۰۰۵).

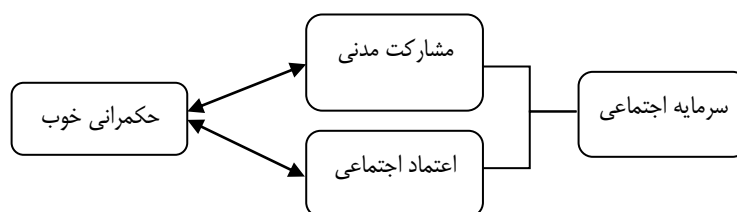
نایک در پژوهش‌های خود نشان داده است که در بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه تأثیر مثبت بر کیفیت حکمرانی دارند (نایک، ۲۰۰۲).

در تحقیقات بین‌ایالتی و بین‌منطقه‌ای در داخل یک کشور ارتباط و همبستگی سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب تأیید شده است (ر.ک. به: رایس و سامبرگ،

۱۹۹۷؛ هالی ول و پاتنام، ۱۹۹۵؛ پاتنام، ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰؛ نایک، ۲۰۰۲). در تحقیقات بین-کشوری نیز تأیید شده است که اعتماد اجتماعی به عنوان مهمترین مولفه سرمایه اجتماعی تبیین‌گر اصلی برای حکمرانی خوب است (ر.ک. به: ولکاک، ۲۰۰۲؛ لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۷؛ آنسلر، ۲۰۰۲؛ فری و استوتزر، ۲۰۰۲؛ نایک و کیفر، ۲۰۰۲؛ آدسرا و همکاران، ۲۰۰۳؛ برژنف، ۲۰۰۶).

اگر مجموعه تئوری‌ها و پژوهش‌های تجربی ارائه شده، بیانگر یک ترکیب علی برای تحقق حکمرانی خوب باشند، آن ترکیب علی این است که برای تحقق حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی ضروری است. اکنون بر مبنای استدلال ارائه شده می‌توان گفت: حکمرانی خوب تابعی از سرمایه اجتماعی است^۱.

مدل علی ۱- الگوی ارتباط سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب



ب) **رویکرد اقتصادی:** این رویکرد در تبیین تفاوت کیفیت حکمرانی بر تأثیر منابع اقتصادی دولت، مخصوصاً ماهیت رانتی درآمدهای دولت تأکید دارد. این رویکرد بر تأثیر درآمدهای رانتی دولت از طریق نوع مناسبات دولت و جامعه بر کیفیت حکمرانی تأکید دارد. صاحب‌نظرانی مانند (جانسون، ۱۹۸۹؛ پیتراوانز، ۱۹۹۲؛ لفت‌ویچ، ۲۰۰۲؛ مک مور، ۲۰۰۴؛ مهدوی، ۱۳۵۱؛ کولیر و هوفیلرت، ۱۹۹۸؛ کارل، ۱۹۹۷؛ داوتی، ۱۹۹۳؛ رایس، ۱۹۹۹؛ اسمیت، ۲۰۰۴؛ لوسیانی، ۱۳۷۴؛ جسوب، ۱۹۹۹؛ هابسون، ۱۹۹۷؛

۱. با اذعان به روابط دوسویه و تأثیر متقابل کیفیت حکمرانی و سرمایه اجتماعی، در این پژوهش به تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت حکمرانی پرداخته شده است.

کمپبل، ۱۹۹۳؛ واتنیچکون، ۲۰۰۰ و فریدمن، ۲۰۰۶) در این رویکرد نظری قرار دارند. براساس این رویکرد نظری، دو نوع رابطه بین دولت و جامعه می‌تواند شکل بگیرد: الف) اتکای دولت به جامعه (دولت توسعه‌گرا) ب) استقلال دولت از جامعه (دولت رانتیر) (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۶).

مناسبات نوع اول، استقلال دولت از جامعه در عین وابستگی به آن است. این شرایط در حقیقت یک تیپ ایده‌آل از مناسبات دولت و جامعه است. چالمرز جانسون، از اصلی‌ترین پژوهشگران این رویکرد و شاید جدی‌ترین نظریه‌پرداز دولت توسعه‌گرا، به پیروی از تالکوت پارسونز بر نقش دولت و همکاری و تعامل آن با سایر بخش‌های جامعه در هدایت فرآیند توسعه متمرکز می‌شود و می‌کوشد نقش دولت را در شکل‌دهی و هدایت توسعه تبیین کند. جانسون در مطالعات تجربی خود درباره کشور ژاپن، نتیجه می‌گیرد که دولت با همکاری خود با بخش خصوصی و سایر گروه‌ها در تحقق معجزه توسعه اقتصادی ژاپن تأثیرگذار بوده است (جانسون، ۱۹۸۹).

پیتر اوانز نیز به موضوع چگونگی استقلال دولت از جامعه پرداخته است. ایشان بهترین مناسبات دولت را در استقلال متکی به جامعه می‌داند. اوانز با این دیدگاه به بررسی رابطه نظام اجتماعی و کیفیت حکمرانی براساس دیدگاه همیارانه از سرمایه اجتماعی پرداخته است. نتایج مطالعات وی نشان داده است که همکاری دولت و شهروندان مبتنی بر دو عامل مکمل بودن و اتکا است (ر.ک.به: اوانز ۱۹۹۲، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶). براین‌اساس دولت باید ضمن رعایت استقلال خویش، به جامعه متکی باشد و اتکا به جامعه به معنای افزایش قابلیت دولت در تامین منافع ملی است. از دیدگاه وی لازمه توسعه، تحول و کارآمدی دولت و حضور هم‌زمان استقلال و اتکا به جامعه است

۱. این وضعیت همان شرایطی است که پارسونز در تئوری AGIL خود در بحث ارتباط خرده نظام‌های جامعه به آن پرداخته است. در دستگاه نظری تالکوت پارسونز در شرایط تعامل و ارتباط ارگانیک دولت و جامعه است که نظم اجتماعی پویا محقق خواهد شد (ر.ک.به: روشه، ۱۹۵۱).

(اوانز، ۱۳۸۲: ۱۷۴). اوانز معتقد است که دولت توسعه‌گرا، دیوان‌سالاری قدرتمند، کارآمد و مستقل است که می‌تواند توسعه اقتصادی و اجتماعی را هدایت کند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این دیوان‌سالاری استقلال ریشه‌دار در جامعه است که کارآمدی آن را تضمین می‌کند (اوانز، ۱۳۸۲: ۲۰۰). یکی از ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا، در خود جای‌دهی (فراگیری) گروه‌های اجتماعی است. همین در هم‌آمیختن استقلال و فراگیری، پایه و مبنای کارآمدی دولت توسعه‌گرا است. در واقع بنیاد موفقیت و کارآمدی دولت توسعه‌گرا، همکاری و تقویت متقابل دولت و جامعه است (اوانز، ۱۳۸۲: ۳۹۴). در این رویکرد، دولت توانمند ریشه در روابط خود با گروه‌های اجتماعی دارد و در واقع دولتی است که از دل جامعه جوشیده است. دولت، در عین این‌که دارای ساختار درونی منسجم است و بعنوان یک نهاد دارای روابط اجتماعی عینی معینی است، بر منابع اجتماعی گوناگون تکیه دارد و با تغذیه از آنها بر قابلیت و توانمندی خویش می‌افزاید. در این شرایط است که چرخه اعتماد و همکاری و مشارکت در بین خرده‌نظام‌های جامعه شکل می‌گیرد و در پرتو آن حکمرانی خوب محقق می‌شود. در مقابل دولتی که در حصار سازمان درونی خود محدود شده باشد در عین استقلال، فاقد منابع اطلاعاتی و اجرایی لازم است و نمی‌تواند بر کارکردهای غیرمتمرکز بخش‌های خصوصی و غیردولتی تکیه کند.

نوع دوم از مناسبات دولت با جامعه، استقلال دولت از جامعه است. البته استقلال دولت از جامعه براساس یک فرایند طبیعی و عادی تفکیک ساختاری در دولت‌های مدرن، متعارف بوده است^۱. بلکه آنچه مهم است این است که در بحث استقلال دولت از جامعه، در برخی کشورها، برخی امتیازات اقتصادی و سیاسی (رانت) برای دولت‌ها وجود دارد که علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، شرایط خاصی را برای آنها فراهم

۱. در آثار کارل مارکس و دیگر مارکسیست‌های ساختاری نیز بحث استقلال نسبی دولت از جامعه دیده می‌شود. اما در اینجا این مبحث مدنظر نیست.

می‌آورد که این ویژگی‌ها در تحلیل‌های کارآمدی و ناکارآمدی دولت برای ارائه مدیریت عمومی و توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد. این ویژگی در کشورهایی که دولت‌های‌شان ماهیت رانتی دارند، بیشتر دیده می‌شود. ماهیت درآمدهای رانتی به گونه‌ای است که در آن جامعه اعم از نهادهای مردمی و بخش خصوصی، وزنه قابل اعتنایی به‌شمار نمی‌روند، چرا که دولت در سایه دریافت رانت‌ها از خارج (نفت یا هر ماده خام دیگر) دیگر به منابع داخلی درآمد (مالیات‌ها، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و...) احساس نیاز نمی‌کند (مک‌مور، ۲۰۰۴: ۳۶؛ میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در هر جامعه‌ای که دولت رانتیر حاکم است بجای اینکه گروه‌های اجتماعی همکار دولت باشند، نیازمند و آویخته دولت‌اند.

استقلال دولت از جامعه به واسطه دسترسی به درآمدهای رانتی، باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات گوناگون در قدرت نبیند (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۲). بی‌نیازی دولت از ایجاد دموکراسی، عدم توزیع قدرت و مانع گذاشتن در مسیر توسعه سیاسی، از جمله دیگر تأثیرات این دولت است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱۲). وابستگی زیاد یک دولت به درآمدهای رانتی باعث کاسته شدن فشار مالی دولت بر جامعه می‌شود، زیرا دولت هیچ‌گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند، و یا اگر مالیات اخذ می‌کند مقدار آن ناچیز است. در چنین شرایطی دولت به علت عدم دریافت مالیات از جامعه و تمرکز قدرت در دست دولت، امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر کسب قدرت و نهایتاً توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود. در شرایطی که منابع عمده قدرت در دست دولت متمرکز می‌شود و گروه‌های اجتماعی عملاً از توان لازم برای ایجاد چالش در مقابل دولت برخوردار نیستند، سازوکار نظارت اجتماعی از جانب جامعه و پاسخگویی از جانب دولت مختل می‌شود (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

پژوهشگران متعددی در بررسی مناسبات دولت و جامعه، به برخورداری دولت از منابع اقتصادی مستقل و مستمر انرژی از یکسو و انزوایزینی جامعه از سوی دیگر اشاره

کرده‌اند. این پژوهشگران معتقدند که بواسطه استقلال مالی دولت از جامعه، نوعی گسست بین آن دو پدیدار می‌شود که در نهایت منجر به قانون‌گریزی، فساد اداری، عدم پاسخگویی دولت و بی‌ثباتی سیاسی می‌گردد. برخی از محققان معتقدند که درآمدهای رانتی، دولت‌های وابسته به این نوع از درآمدها را دچار ناکارآمدی و بی‌ثباتی سیاسی خواهد کرد (باسدائو و لچر، ۲۰۰۶؛ کارل، ۱۹۹۷؛ داوتی، ۱۹۹۳؛ هارفورد و کلین، ۲۰۰۵). نتایج مطالعات برخی از پژوهشگران نیز نشان داده است که برخی از دولت‌های رانتیر موفق به خرید ثبات سیاسی یا کم رنگ کردن بی‌کفایتی‌های خود با استفاده از درآمدهای رانتی شده‌اند (رایس، ۱۹۹۹؛ اسمیت، ۲۰۰۴). دسته‌ای دیگر از محققان با استفاده از داده‌های تجربی به این نتیجه رسیده‌اند که برخی دولت‌های رانتیر موفق به پرداخت رشوه و شریک کردن مخالفان خود در فساد و کنترل بی‌ثباتی و ناکارآمدی سیاسی می‌شوند (جکسون و روزبرگ، ۱۹۸۲؛ بایارت و هیبو، ۱۹۹۹؛ براتون و وان دوال، ۱۹۹۷؛ چابال و دالوز، ۱۹۹۹؛ هرست، ۲۰۰۰؛ به نقل از فیلد، ۲۰۰۳).

مک مور (۲۰۰۴) معتقد است که موضوع تأثیر درآمدهای دولت بر کیفیت حکمرانی یکی از محوری‌ترین موضوعات پارادایم جامعه‌شناسی مالی^۱ است. ایشان در پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر درآمدهای رانتی دولت بر ساختار یا صورتبندی دولت و کیفیت حکمرانی در کشورهای در حال توسعه پرداخته است. نتایج پژوهش‌های وی نشان داده است که منابع مالی دولت تأثیرات عمده‌ای بر الگوی ساختاری دولت دارد. ایشان در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده است که کیفیت حکمرانی در کشورهای در حال توسعه بهبود خواهد یافت اگر این کشورها به لحاظ اقتصادی وابسته به منابع مالی داخلی از جمله مالیات باشند (مور، ۱۹۹۸؛ ۲۰۰۱؛ ۲۰۰۴). علاوه بر مک‌مور اندیشمندان دیگری در مطالعات تطبیقی متعددی در چارچوب پارادایم جامعه‌شناسی مالی به این نتیجه رسیده‌اند که واریانس منابع مالی

۱ Fiscal Sociology Paradigm

دولت در درجه بالایی تبیین‌گر تفاوت در کیفیت حکمرانی و کارآمدی دولت و ارتباط آنها با شهروندانشان است (ر.ک.به: جسوب، ۱۹۹۹؛ هابسون، ۱۹۹۷؛ کمپل، ۱۹۹۳).

الکساندر لیمن (۲۰۰۸) معتقد است که درآمدهای رانتهی با افزودن بر حجم دیوان‌سالاری دولت، مانع کارآمدی آن می‌شود. ایشان با مطالعه خود در کشور روسیه با بررسی اندازه دیوان‌سالاری و تأثیر آن بر دستاوردهای اقتصادی این کشور، نشان داده است که اندازه بوروکراسی دولتی علاوه بر افزودن بر هزینه‌های عمومی دولت، موجب ناکارآمدی آن نیز می‌شود (ر.ک.به: لیمن، ۲۰۰۸).

جیاکومولوسیانی (۱۳۷۴) استدلال کرده است، کشوری که حکومت‌اش بخش عمده‌ای از درآمدهایش را از منابع قابل عرضه خویش به جهان خارج تأمین کند، پویایی‌های سیاسی‌ای را به نمایش می‌گذارد که با پویای‌های سیاسی کشورهای دیگر که حکومت‌شان درآمدهای خود را از طریق وضع مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی داخلی تأمین می‌نماید، متفاوت است. ایشان با مطالعه چندین کشور نفت‌خیز عربی بدین نتیجه رسید که چنین کشورهایی حتی با درآمد پایین حاضر نیستند به نفع جامعه عقب‌نشینی کنند، که همین امر هزینه مقابله با حکومت را بالا می‌برد (لوسیانی، ۱۳۷۴).

پژوهش مبتنی بر داده‌های تجربی رُز در سال ۲۰۰۱ نشان داده است که میان فرایند دمکراسی شدن و افزایش صادرات نفت نوعی رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که هرگاه درآمدهای نفتی در کشورهای نفت‌خیز افزایش یابد، فرایند دمکراسی در آن کشورها دچار اختلال شده و آزادی‌های سیاسی کاهش می‌یابد (رُز، ۲۰۰۱). این فرایند درست عکس وضعیتی است که در کشورهای توسعه‌یافته تجربه شده است. چون بنا به پژوهش‌های گوناگون، وضع دموکراسی، آزادی‌های سیاسی و ثبات سیاسی در کشورهای پیشرفته، با افزایش درآمد ناخالص داخلی و درآمد سرانه بهتر می‌شود (هانتینگتون، ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ و ۱۹۹۱؛ لیپست، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹؛ بارو، ۱۹۹۱). بنابراین چنین به نظر می‌رسد که افزایش درآمدهای رانتهی دولت برخلاف کشورهای توسعه‌یافته به توسعه سیاسی نینجامد. در تأیید این استدلال، کولیر و هوفلیتر (۱۹۹۸) در بررسی

خود نوعی همبستگی میان افزایش درآمدهای نفتی و بی‌ثباتی سیاسی و بی‌کفایتی حکومت را تأیید می‌کنند. (کولیر و هوفیلرت، ۱۹۹۸: ۵۷۱). لام و وانتیچکون (۱۹۹۸ و ۲۰۰۰) براساس داده‌های تجربی نشان داده‌اند که با افزایش سهم منابع طبیعی مانند نفت در صادرات کشورهای مورد مطالعه ضریب احتمال دموکراسی در این کشورها کاهش می‌یابد و به نوعی از ضعف قانون و بی‌قانونی رنج می‌برند و در این کشورها مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها در کمترین اندازه است (لام و وانتیچکون ۱۹۹۸؛ وانتیچکون، ۲۰۰۰). فریدمن (۲۰۰۶) استدلال کرده است که نخستین قانون در ساختار سیاسی مبتنی بر صادرات نفت و مواد خام این است که مسیر فرایند دموکراسی در تضاد با افزایش صادرات مواد خام است. اهمیت نظریه فریدمن از آن روست که این نظریه بحران مشارکت، ناکارایی اداری و فقدان مشروعیت سیاسی را در حکومت‌های رانتی توضیح می‌دهد. فریدمن اشاره کرده است که درآمدهای رانتی که به انگیزه حل نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی به‌کار گرفته می‌شود، خود به ناکارایی، فقدان مشروعیت و گسترش بحران مشروعیت می‌انجامد (فریدمن، ۲۰۰۶).

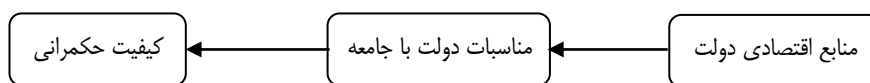
در مجموع درآمدهای رانتی دولت با افزایش استقلال دولت از گروه‌های اجتماعی و سیاسی مانع تحقق حکمرانی خوب که لازمه آن همکاری و تعامل دولت با نهادهای اجتماعی است، می‌شود. مکانیزم تأثیرگذاری منابع رانتی دولت بر روی حکمرانی خوب به این ترتیب است که درآمدهای حاصل از رانت از طریق افزایش استقلال دولت از گروه‌های اجتماعی، دیوان سالاری دولتی، وابسته بودن طبقات اجتماعی، بی‌نیازی دولت به مالیات‌گیری از شهروندان و عدم پاسخگویی دولت به مردم منجر به تولید و باز تولید اقتدارگرایی می‌شود (جان واتربری^۱، ۱۳۸۰؛ لاربی سادیکی^۲، ۱۳۸۰؛ غفاری، ۲۰۰۰؛ به نقل از ساعی، ۱۳۸۶).

^۱J. Water Bury

^۲Larbi Sadiki

براساس تئوری‌ها و نتایج مطالعات تجربی مطرح شده، می‌توان چنین استدلال کرد که یکی از دلایل قانون‌گریزی، فقدان آزادی اجتماعی، عدم پاسخگویی دولت، بی‌ثباتی سیاسی و عدم شفافیت که از شاخص‌های اساسی حکمرانی بد می‌باشد؛ برخورداری دولت از منابع مالی مستقل از مردم است. دولت و شهروندان به عنوان دو مجموعه مرتبط، در صورتی می‌توانند تعامل ارگانیک خود را تداوم بخشند که از وضعیت همدیگر اطلاع داشته باشند و یک نظام جامع و صادق اطلاع‌رسانی کاستی آن دو را به همدیگر منتقل نماید. یکی از این کانال‌های مؤثر و پایدار اطلاع دولت از جامعه، نظام مالیاتی است. بدین صورت که دولت با تعبیه عوامل و ضوابط مدون، نوع و میزان تقاضاهای خود را به جامعه ارائه و در قبال آن از مطالبات اجتماعی اطلاع می‌یابد. اما منابع اقتصادی رانتهی موجب خلق گسست در این روند شده و از طرف دیگر دولت را نسبت به حفظ و بسط قدرت حریص‌تر می‌گرداند. در حقیقت عامل اساسی پیدایش چنین وضعیتی ایجاد شکاف بین دولت و جامعه در نتیجه اتکای دولت به منابع اقتصادی رانتهی است. بطوری که درآمدهای رانتهی دولت با افزایش استقلال دولت از جامعه و ایجاد گسست بین آنها به تمرکز قدرت در دست دولت رانتهی کمک کرده و تعامل ارگانیک دولت با جامعه در سایه اعتماد و مشارکت نهادهای اجتماعی مردمی و بخش خصوصی را برهم می‌زند.

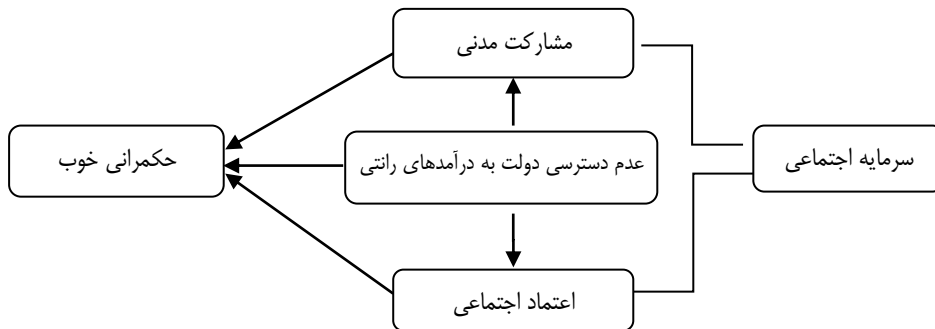
مدل علی ۲- رابطه منابع اقتصادی رانتهی دولت و کیفیت حکمرانی



اکنون باید گفت بر مبنای این دو رهیافت نظری دستگاه نظری این پژوهش را می‌توان به صورت زیر فرموله کرد: دستگاه نظری این پژوهش، بر الگوی تلفیقی استوار است. اندیشه محوری الگوی مزبور مبتنی بر مناسبات دولت و جامعه است. در این

دستگاه نظری، حکمرانی خوب تابعی از میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی (عضویت انجمنی) و درآمدهای غیررانتی دولت است.

مدل علی ۳- الگوی نظری پژوهش^۱



منطق استدلال تئوریک به این صورت است که تعامل ارگانیک دولت و جامعه، اساس حکمرانی خوب است. تعامل ارگانیک دولت و جامعه در پرتو وجود سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی دارای دو بُعد اساسی است: اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی، آمادگی بالقوه شهروندان برای همکاری و تعامل با یکدیگر و آمادگی آنها برای وارد شدن در فعالیت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. با این نگاه، در سطح خرد، در پرتو سرمایه اجتماعی، اعضای جامعه به هم اعتماد کرده و بر مبنای این اعتماد به تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید و همکاری در چارچوب آنها مبادرت می‌کنند. در سطح کلان نیز، با بالا رفتن اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی شهروندان، همکاری و تعامل دولت و مردم افزایش یافته و تناسب اقتدار دولت و جامعه مدنی با تمرکززدایی از قدرت ایجاد خواهد شد. بنابراین سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت فعال شهروندان در سیاست

۱. (اعتماد اجتماعی) ∩ (مشارکت مدنی) ∩ (درآمدهای غیررانتی دولت) ⊃ (حکمرانی خوب)

شده و این فرصت را برای شهروندان فراهم می‌کند که خودشان مشارکت فعالی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و کنش‌های جمعی‌شان به راحتی منجر به نتیجه گردد. در نتیجه این تعاملات هم شهروندان عقلانی می‌شوند و هم فضای جامعه در سطح نخبگان رقابتی می‌شود. علاوه بر این با افزایش اعتماد اجتماعی و بالارفتن مشارکت مدنی شهروندان، هزینه‌های اجرای قوانین و سیاست‌های حکومت کاهش یافته و مردم با مشارکت در مدیریت جامعه همکاری مطلوب با دولت خواهند داشت. با افزایش سرمایه اجتماعی و تعامل دولت و مردم در پروژه‌های مشترک، مشارکت مدنی در بین شهروندان نهادینه شده و به بهبود حکمرانی کمک می‌کند. در واقع از طریق تبادل ارتباطات، اعتماد و انرژی بین تمام نیروها و بخش‌های جامعه (نظام سیاسی و شهروندان) یک نوع از چرخه عقلانی ناظر بر تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی رخ می‌دهد. این چرخه عقلانی باعث بالا رفتن کارایی همزمان جامعه و دولت شده و به حکمرانی خوب منجر می‌گردد. دسترسی دولت به درآمد‌های رانتی مانع تعامل ارگانیک دولت با جامعه از طریق اعتماد اجتماعی و مشارکت سایر گروه‌ها و بخش‌های جامعه در تصمیم‌گیری‌ها شده و موجب استقلال دولت از جامعه می‌گردد. بواسطه استقلال مالی دولت از جامعه، نوعی گسست بین آن دو پدیدار می‌شود که دولت نیازی به مشارکت شهروندان نداشته و اعتماد یا بی‌اعتمادی شهروندان در نزد دولت اهمیتی نخواهد داشت. افزایش استقلال دولت از گروه‌های اجتماعی و سیاسی مانع توزیع قدرت در جامعه می‌گردد و همکاری و تعامل ارگانیک دولت با نهادهای اجتماعی مردمی و بخش خصوصی شکل نمی‌گیرد. در واقع، در پرتو احساس استقلال دولت از جامعه، یک چرخه معیوبی از تبادل اطلاعات و انرژی بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی شکل می‌گیرد که در آن همکاری و تعامل دولت و مردم کاهش یافته و قدرت بواسطه درآمد‌های رانتی، در دست دولت متمرکز خواهد شد. در سایه تمرکز قدرت در دست دولت و عدم مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش بی‌اعتمادی در جامعه، شاخص‌هایی از جمله قانون‌گریزی،

عدم شفافیت، فساد اداری، عدم پاسخگویی دولت و بی‌ثباتی سیاسی در جامعه رواج پیدا می‌کند. در حقیقت، می‌توان چنین استنباط کرد در جوامعی که دولت براساس رویکرد استقلال از جامعه عمل می‌کند و با اتکا به امتیازات رانتی، خود را مستقل از جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی و سیاسی بداند، کیفیت حکمرانی پایین است، اما در جوامعی که دولت با وجود استقلال خود از جامعه، ریشه در جامعه مدنی و سایر گروه‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد و به عبارتی بدلیل عدم دسترسی دولت به درآمدهای رانتی و نیاز دولت به حضور بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی مردمی در تأمین منابع مالی و مدیریت جامعه، در سایه اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی یک دولت مدنی شکل گرفته باشد، کیفیت حکمرانی خوب بوده و مدیریت عمومی جامعه نیز با کیفیت خواهد بود. در اینجا بر مبنای منطق قیاسی- قانونی، فرضیات پژوهش به- صورت زیر قابل استنتاج هستند:

فرضیه اول: اعتماد اجتماعی شرط علی لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است.

فرضیه دوم: مشارکت مدنی شرط علی لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است.

فرضیه سوم: درآمدهای غیررانتی دولت شرط علی لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است.

فرضیه چهارم: درآمدهای غیررانتی دولت در ترکیب با مشارکت مدنی بالا و اعتماد اجتماعی بالا ترکیب علی لازم برای وقوع حکمرانی خوب است.

فرضیه‌سازی استدلال از نوع نظری و مبتنی بر گزاره‌های تئوریک است. تطبیق این گزاره‌ها با واقعیت نیازمند تعریف عملیاتی و تبدیل آنها به سنجه‌های قابل مشاهده بوده که در بخش بعدی مقاله با استفاده از رویکرد فازی به آن پرداخته شده است.

تعریف عملیاتی مفاهیم

در این قسمت ابتدا مفاهیم تعریف و در ادامه روش ارزیابی فرضیات و اعتبار معرف‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفته است.

مشارکت مدنی: برای ارزیابی بُعد مشارکت مدنی، از معرف‌های تجربی تعلق یا عضویت در انجمن‌های داوطلبانه (میزان تعلق و فعالیت در گروه‌ها و انجمن‌های هنری، آموزشی و فرهنگی، میزان تعلق و عضویت در اتحادیه‌های حرفه‌ای، میزان تعلق و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، میزان تعلق و فعالیت در گروه‌های محلی، میزان تعلق و فعالیت در گروه‌های ورزشی و تفریحی، میزان تعلق و فعالیت در سازمان‌های مذهبی، میزان تعلق و فعالیت در موسسات خیریه و نوع دوستی) استفاده شده است. میزان عضویت برای هر یک از موارد بر مبنای درصد در هر یک از این معرف‌ها محاسبه شده است. سپس شاخص مشارکت مدنی هر مورد، از طریق میانگین حسابی نمرات معرف‌های مربوطه محاسبه گردیده است. داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی مشارکت مدنی از مجموعه داده‌های موج چهارم و پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) - تجمیع و گردآوری شده توسط رونالد اینگلهارت و همکارانش - بدست آمده است.

اعتماد اجتماعی: برای ارزیابی بُعد اعتماد اجتماعی، از معرف‌های تجربی میزان اعتماد به احزاب سیاسی، میزان اعتماد به تلویزیون، میزان اعتماد به سیستم خدمات اجتماعی، میزان اعتماد به دولت، میزان اعتماد به سیستم قضایی، میزان اعتماد به شرکت‌های تخصص بزرگ و میزان اعتماد به مجلس استفاده شده است. میزان اعتماد برای هر یک از موارد به صورت درصدی در هر یک از این معرف‌ها محاسبه شده است. سپس شاخص اعتماد اجتماعی هر مورد، از طریق میانگین حسابی نمرات معرف‌های مربوطه محاسبه گردید. داده‌های مورد نیاز برای ارزیابی اعتماد اجتماعی از مجموعه

داده‌های موج چهارم و پنجم پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) - تجمیع و گردآوری شده توسط رونالد اینگلهارت و همکارانش - بدست آمده است.

حکمرانی خوب: برای ارزیابی حکمرانی خوب از حق اظهارنظر قائل شدن و پاسخگویی دولت، ثبات سیاسی و عدم خشونت^۱، کارایی و اثربخشی دولت^۲، کیفیت مقررات دولتی و نظام اداری^۳، حاکمیت قانون^۴ و کنترل فساد^۵ استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای این مفهوم از مجموعه داده‌های دوره‌ای بانک جهانی - گردآوری شده توسط دانیل گافمن، آرت کری و ماسیمو مستروزی ۱۹۹۶-۲۰۰۹ - استفاده شده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۰). این مجموعه شامل تمام داده‌های موجود درباره این معرف‌هاست. این سنجه‌ها، انباشتی از نظرات کارشناسان و پیمایش‌های جمعیتی است که امتیازات براساس داوری کارشناسان هر حوزه و با استفاده از منابع و اطلاعات مراجع گوناگون اختصاص یافته است. البته با توجه به اینکه مفهوم حکمرانی خوب یک مفهوم کانونی است و دربردارنده ابعاد ناهمگون و متنوعی می‌باشد، برای ساختن شاخص دقیق از حکمرانی خوب، که وزن هر یک از معرف‌ها مشخص گردد، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده شده است^۶. درگام بعدی، بعد از اخذ نمرات خام معرف‌های کیفیت حکمرانی در سال‌های مورد نظر برای کشورهای انتخاب شده، با استفاده از میانگین حسابی امتیازات معرف‌های بیان شده، شاخص حکمرانی

۱ Voice and Accountability

۲ Political Stability and No Violence

۳ Government Effectiveness

۴ Regulatory Quality

۵ Rule of Law

۶ Control of Corruption

۷ این تکنیک مفهوم را به صورت ترکیب خطی از معرف‌های گوناگون نشان می‌دهد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که ترکیب خطی معرف‌های شش‌گانه مشخص شده برای حکمرانی خوب، مشترکاً مقدار ۸۷٪ درصد از واریانس آن را توضیح دادند...

برای هر یک از موردها بدست آمده است. بعد از محاسبه این شاخص کمی، تابع عضویت فازی تعیین شده است.

منابع اقتصادی دولت: در این مطالعه برای منابع اقتصادی دولت دو بُعد در نظر گرفته شده است: منابع اقتصادی رانتی و منابع اقتصادی غیر رانتی. منابع اقتصادی رانتی به درآمدهایی اطلاق می‌شود که از طریق صدور مواد خام نفتی و معدنی نصیب دولت می‌گردد، در مقابل درآمدهای غیررانتی عمدتاً از طریق گرفتن مالیات از مردم بدست می‌آید. برای سنجش و اندازه‌گیری درآمدهای غیررانتی دولت از شاخص سهم درآمدهای مالیاتی در GDP به صورت درصدی استفاده شده است. داده‌های مربوط به این شاخص از مجموعه داده‌های بانک جهانی (World Development Indicators & Global Development Finance) استفاده شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله، تطبیقی مبتنی بر رویکرد فازی است. براساس روش فازی برای هر یک از مفاهیم موجود در دستگاه نظری به مثابه یک مجموعه، تابع عضویت فازی تعریف شده و در مرحله دآوری بر مبنای میزان عضویت فازی، تحلیل علی فازی انجام گرفته است. براساس الزامات روش شناختی رویکرد فازی، مفاهیم به عنوان مجموعه تلقی شده‌اند. برای هر یک از مفاهیم، تابع عضویت تعریف شده است. تابع عضویت فازی عنصر کلیدی در روش فازی است. تابع عضویت فازی هم برحسب مقولات کیفی و هم برحسب تفاوت‌های کمی در میزان عضویت در بازه [۰،۱] عملیاتی می‌شود. هرچه نقاط گسست و ارزش‌های عددی فازی در بازه [۰،۱] بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می‌شود (ر.ک. به : راگین ۲۰۰۴؛ چلبی، ۱۳۸۶؛ ساعی، ۱۳۸۸). عنصر کلیدی در تابع عضویت فازی درجه‌بندی^۱ میزان عضویت در یک مجموعه است. در این پژوهش از تابع عضویت فازی S شکل استفاده شده است. این تابع عضویت به

۱. Calibration

پژوهشگر اجتماعی کمک می‌کند تا با استفاده از نمره هر واحد مورد مطالعه از یک متغیر، درجه عضویتش در مجموعه‌ای را مشخص کند که براساس همان متغیر تعریف می‌شود. برای تعیین تابع عضویت فازی سازه‌های مفهومی پژوهش از تابع عضویت S شکل استفاده شده است. بعد از محاسبه امتیازات هر یک از کشورها برحسب اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی، ارزش‌های بیشینه و کمینه توزیع فراوانی متغیرهای مورد نظر تعیین گردیده است. سپس برای تعیین سه نقطه گسست، یعنی آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه تقاطع، از معیارهای چارک اول، میانه و چارک سوم بهره گرفته شده است. در ادامه بعد از تعیین سه نقطه گسست، ارزش‌های فازی کمی به ارزش‌های فازی با برچسب‌های زبانی معین، تبدیل شده‌اند. برای ساختن تابع عضویت فازی و به منظور عملی ساختن تبدیل ریاضی برچسب‌های زبانی، یک مجموعه نه ارزشی با برچسب‌های زبانی تعریف و برای هر برچسب یک درجه عضویت اختصاص داده شده است. واحد تحلیل این پژوهش، کشور است. در این تحقیق نمونه‌گیری به معنای روش‌های کمی انجام نشده است بلکه سعی گردید براساس استراتژی تمام‌شمار تمام موردهای مرتبط که واجد داده برای انجام مقایسه بودند، مورد بررسی قرار گیرد. برای پردازش و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Excel, SPSS, fs/QCA استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و تبیینی ارائه شده است. در سطح توصیف چگونگی توزیع و تمرکز موردهای مطالعه شده برحسب مفاهیم و عوامل مورد مطالعه توصیف شده است. در سطح تحلیل علی، رابطه فازی شروط منفرد و ترکیب‌های علی آزمون شده است.

تحلیل توصیفی

در این تحقیق ۷۳ کشور به‌عنوان واحد تحلیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. میانگین فازی حکمرانی برابر با ۰/۵ می‌باشد. این مقدار برابر با نقطه گذار در مقیاس فازی است. انحراف معیار فازی حکمرانی برابر با ۰/۴، مقدار بیشینه فازی حکمرانی برابر با ۰/۹۷، مقدار کمینه فازی حکمرانی برابر با ۰/۰۰۰۵ و میانگین فازی اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۵۵ است. این مقدار بالاتر از نقطه گذار در مقیاس فازی است. انحراف معیار فازی اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۲۶، مقدار بیشینه فازی آن برابر با ۰/۹۶ و مقدار کمینه فازی آن برابر با ۰/۰۰۲ می‌باشد. میانگین فازی مشارکت مدنی برابر با ۰/۴۳ می‌باشد. این مقدار پایین‌تر از نقطه گذار فازی است. انحراف معیار فازی مشارکت مدنی برابر با ۰/۳۴، مقدار بیشینه فازی آن برابر با ۰/۹۸، مقدار کمینه فازی آن برابر با ۰/۰۲ و میانگین فازی درآمدهای غیررانتی دولت برابر با ۰/۴۶ می‌باشد که این مقدار نیز پایین‌تر از نقطه گذار فازی است. انحراف معیار فازی این عامل برابر ۰/۲۸، مقدار بیشینه فازی آن برابر با ۰/۹۶، مقدار کمینه فازی آن برابر با ۰/۰۰۴ می‌باشد. مقایسه آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که بیشترین تفاوت‌ها در میان کشورهای مورد بررسی مربوط به کیفیت حکمرانی و مشارکت مدنی (به ترتیب با انحراف معیار فازی ۰/۴ و ۰/۳۴) و

۱. در انتخاب حجم نمونه از روش‌های نمونه‌گیری متعارف استفاده نشده است، بلکه در این پژوهش استراتژی تمام شمار مدنظر قرار گرفت، از آنجایی که همواره یکی از مسائلی که در تحقیقات با داده‌های موجود در مورد کشورها وجود دارد، تعداد متفاوت کشورهای مورد بررسی در هر مجموعه داده بر مبنای متغیرهای مورد بررسی است؛ با علم به این موضوع که محدودیت‌های عملی در وجود و دستیابی به داده‌های مناسب برای تمام متغیرها در برخی جوامع، خواه ناخواه تعداد کشورهای مورد مطالعه را تقلیل خواهد داد. در مجموع، در مطالعه حاضر نیز از آنجایی که داده‌ها از چندین منبع گردآوری شده است، تعداد کشورهای مورد بررسی در هر منبع براساس متغیرهای مورد مطالعه متفاوت بود. براین اساس با بررسی مجموعه داده‌های مورد استفاده، تعداد ۷۳ کشور در کل مجموعه داده‌های مورد استفاده مشترک بودند. بنابراین با اتخاذ روش حذف لیستی، کشورهایی که در برخی متغیرها فاقد داده بودند، از لیست حذف شدند و در نهایت حجم نمونه در این پژوهش به تعداد ۷۳ کشور محدود گردید.

کمترین تفاوت مربوط به اعتماد اجتماعی با انحراف معیار فازی معادل ۰/۲۶ است. آماره‌های توصیفی سازه‌های پژوهش در جدول ۱ منعکس شده است.

جدول ۱- آماره‌های توصیفی

مورد‌ها	پیشینه	کمینه	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۷۳	۰/۹۸	۰/۰۲	۰/۳۴	۰/۴۳	مشارکت مدنی
۷۳	۰/۹۶	۰/۰۰۲	۰/۲۶	۰/۵۵	اعتماد اجتماعی
۷۳	۰/۹۷	۰/۰۰۰۵	۰/۴	۰/۵	حکمرانی خوب
۷۳	۰/۹۶	۰/۰۰۴	۰/۲۸	۰/۴۶	درآمدهای غیررانتی دولت

جدول ۲ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب نشان می‌دهد. براساس شواهد تجربی موجود می‌توان داوری کرد که تمام کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش، عضویتی در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب بوده‌اند. اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت‌های کمی) در این مجموعه، می‌توان گفت که موردهای واقع در خوشه اول، شامل نروژ، دانمارک، فنلاند، سوئد، لوکزامبورگ، سوئیس، هلند، انگلستان، اتریش، استرالیا، آلمان، کانادا، ایرلند و نیوزیلند بی‌هیچ ابهامی از حکمرانی خیلی خوبی برخوردارند. موردهای واقع در خوشه دوم، شامل امریکا، فرانسه، بلژیک، ژاپن، پرتغال، سنگاپور، اسپانیا، جمهوری چک، اسلوانی، ایسلند بی‌هیچ ابهامی از حکمرانی خوب برخوردارند. موردهای واقع در خوشه سوم، شامل شیلی، کرواسی، بلغارستان، ایتالیا، لیتوانی، لهستان، اسلواکی، یونان، کره جنوبی، مالزی و اروگوئه حکمرانی‌شان عمدتاً خوب است. موردهای واقع در خوشه چهارم، شامل برزیل، آفریقای جنوبی، تایلند و رومانی حکمرانی‌شان تا حدودی خوب بوده است. کیفیت حکمرانی در کشور مکزیک بینابین بوده است و دارای بیشترین ابهام است.

موردهای واقع در خوشه ششم شامل کشورهای ترکیه، هند، آرژانتین، مراکش، فیلیپین و روسیه حکمرانی شان بیشتر بد بوده است تا خوب. کیفیت حکمرانی در موردهای واقع در خوشه هفتم، شامل کشورهای پرو، ایران و عربستان عمدتاً بد بوده است. موردهای واقع در خوشه هشتم شامل کشورهای مصر، کلمبیا، بوسنی و هرزگوین، اکراین، چین، آلبانی، ارمنستان، اندونزی بی هیچ ابهامی از حکمرانی بد برخوردارند. نهایتاً اینکه موردهای واقع در خوشه نهم شامل کشورهای ویتنام، ونزوئلا، اوگاندا، پاکستان، اردن، گرجستان، قرقیزستان، عراق، آذربایجان، رواندا، زامبیا، مالی، اکوادور، بلاروس، بنگلادش و الجزایر بی هیچ ابهامی حکمرانی شان خیلی بد بوده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی موردها برحسب عضویت در مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب

خوشه	کشور	برچسب زبانی
اول	نروژ، دانمارک، فنلاند، سوئد، لوکزامبورگ، سوئیس، هلند، انگلستان، اتریش، استرلیا، آلمان، کانادا، ایرلند، نیوزیلند	حکمرانی خیلی خوب
دوم	امریکا، فرانسه، بلژیک، ژاپن، پرتغال، سنگاپور، اسپانیا، جمهوری-چک، اسلوانی، ایسلند	حکمرانی خوب
سوم	شیلی، کرواسی، بلغارستان، ایتالیا، لیتوانی، لهستان، اسلواکی، یونان، کره جنوبی، مالزی، اروگوئه	حکمرانی بیشتر خوب تا بد
چهارم	برزیل، آفریقای جنوبی، تایلند، رومانی	حکمرانی تا حدودی خوب
پنجم	مکزیک	بینابین
ششم	ترکیه، هند، روسیه، آرژانتین، مراکش، فیلیپین	حکمرانی تا حدودی بد
هفتم	پرو، ایران، عربستان	حکمرانی بیشتر بد تا خوب
هشتم	مصر، کلمبیا، بوسنی و هرزگوین، اکراین، چین، آلبانی، ارمنستان، اندونزی	حکمرانی بد
نهم	ویتنام، ونزوئلا، اوگاندا، پاکستان، اردن، گرجستان، قرقیزستان، عراق،	حکمرانی خیلی بد

آذربایجان، رواندا، زامبیا، مالی، اکوادور، بلاروس، بنگلادش، الجزایر
--

منبع: محاسبات نویسندگان

جدول ۳ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای با اعتماد اجتماعی بالا نشان می‌دهد. شواهد تجربی موجود دلالت بر آن دارد که همه کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش دارای درجه عضویتی از اعتماد اجتماعی می‌باشند، اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت‌های کمی) در این مجموعه، می‌توان گفت که موردهای واقع در خوشه اول، شامل کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک، بلژیک، ایسلند بی‌هیچ ابهامی از اعتماد اجتماعی خیلی‌بالایی برخوردارند. موردهای واقع در خوشه دوم، شامل سوئیس، کانادا، هلند، ژاپن، مالزی، فنلاند، لوکزامبورگ، ایرلند، بنگلادش بی‌هیچ ابهامی از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردارند. موردهای واقع در خوشه سوم، شامل بلاروس، هند، قیرقیزستان، ویتنام، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، استرالیا، چین، اندونزی، نیوزیلند، ایران، آلمان، کره جنوبی، لهستان، آلبانی اعتماد اجتماعی‌شان عمدتاً بالا بوده است. موردهای واقع در خوشه چهارم، شامل شیلی، اتریش، بلغارستان، جمهوری چک، اسلواکی، اکراین، مکزیک، مراکش، مصر، ترکیه، آفریقای جنوبی، امریکا، اسپانیا، فیلیپین، اروگوئه و تایلند، سطح اعتماد اجتماعی تاحدودی بالا بوده است. اعتماد اجتماعی درکشور واقع در خوشه پنجم دارای بیشترین ابهام است. یعنی در کشورهای کرواسی، عربستان، لیتوانی، پاکستان اعتماد اجتماعی نه‌پایین بوده است و نه بالا. موردهای واقع در خوشه ششم شامل کشورهای اسلوانی، پرتغال، ونزوئلا سطح برخورداری از اعتماد اجتماعی‌شان تا حدودی پایین بوده است. اعتماد اجتماعی در موردهای واقع در خوشه هفتم، شامل کشورهای بوسنی و هرزگوین، یونان، اوگاندا، آرژانتین، برزیل، رومانی، روسیه، کلمبیا، مالی، رواندا، زامبیا، آذربایجان، ارمنستان و عراق عمدتاً پایین بوده است. موردهای واقع در خوشه هشتم شامل کشورهای الجزایر، پرو، گرجستان بی‌هیچ ابهامی از اعتماد اجتماعی پایینی

برخوردارند. سرانجام اینکه موردهای واقع در خوشه نهم شامل کشورهای اکوادور، سنگاپور بی هیچ ابهامی اعتماد اجتماعی شان در سطح خیلی پایینی بوده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی موردها بر حسب اعتماد اجتماعی

خوشه	کشور	بر حسب زبانی
اول	سوئد، نروژ، دانمارک، بلژیک، ایسلند	اعتماد اجتماعی خیلی بالا
دوم	سوئیس، کانادا، هلند، ژاپن، مالزی، فنلاند، لوکزامبورگ، ایرلند، بنگلادش	اعتماد اجتماعی بالا
سوم	بلاروس، هند، قیرقیزستان، ویتنام، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، استرالیا، چین، اندونزی، نیوزیلند، ایران، آلمان، کره جنوبی، لهستان، آلبانی	اعتماد اجتماعی بیشتر بالا تا پایین
چهارم	شیلی، اتریش، بلغارستان، جمهوری چک، اسلواکی، اکراین، مکزیک، مراکش، مصر، ترکیه، آفریقای جنوبی، امریکا، اسپانیا، فیلیپین، اروگوئه، تایلد	اعتماد اجتماعی تاحدودی بالا
پنجم	کرواسی، عربستان، لیتوانی، پاکستان	اعتماد اجتماعی متوسط
ششم	اسلوانی، پرتغال، ونزوئلا	اعتماد اجتماعی تا حدودی پایین
هفتم	بوسنی و هرزگوین، یونان، اوگاندا، آرژانتین، برزیل، رومانی، روسیه، کلمبیا، مالی، رواندا، زامبیا، آذربایجان، ارمنستان، عراق	اعتماد اجتماعی بیشتر پایین تا بالا
هشتم	الجزایر، پرو، گرجستان	اعتماد اجتماعی پایین
نهم	اکوادور، سنگاپور	اعتماد اجتماعی خیلی پایین

منبع: محاسبات نویسندگان

جدول ۴ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای با مشارکت مدنی بالا نشان می‌دهد. براساس شواهد تجربی موجود می‌توان داوری کرد که همه کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش دارای درجه عضویتی از مشارکت مدنی می‌باشند، اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت‌های کمی)، می‌توان گفت که موردهای واقع در خوشه اول، شامل کشورهای هند، آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی، سوئیس، اندونزی، نیوزیلند، انگلستان، مکزیک، استرالیا، سوئد، نروژ و فنلاند بی‌هیچ ابهامی از مشارکت مدنی خیلی بالایی برخوردارند. موردهای واقع در خوشه دوم، شامل کشورهای هلند، لوکزامبورگ، ایرلند، بنگلادش، دانمارک، ایسلند، برزیل، شیلی، تایلند و آلمان بی‌هیچ ابهامی از مشارکت مدنی بالایی برخوردارند. موردهای واقع در خوشه سوم، شامل کشورهای ایران، مالزی، ویتنام، ایتالیا، کره جنوبی، اسلوانی، زامبیا و فرانسه مشارکت مدنی‌شان عمدتاً بالا بوده است. موردهای واقع در خوشه چهارم، شامل کشورهای ژاپن، آرژانتین و مالی سطح مشارکت مدنی تاحدودی بالا بوده است. مشارکت مدنی در کشور پرو دارای بیشترین ابهام بوده است. یعنی مشارکت مدنی در کشور پرو نه پایین بوده است و نه بالا. موردهای واقع در خوشه ششم شامل کشورهای کلمبیا، عربستان، بلژیک، لهستان و ارمنستان، مشارکت مدنی‌شان تا حدودی پایین بوده است. مشارکت مدنی در موردهای واقع در خوشه هفتم، شامل کشورهای آلبانی، اتریش، جمهوری چک، یونان، ایرلند، لوکزامبورگ، اسلواکی، اوگاندا، ونزوئلا، اسپانیا، چین، اروگوئه، آذربایجان، پاکستان عمدتاً پایین بوده است. موردهای واقع در خوشه هشتم شامل کشورهای اکوادور، عراق، اکراین، روسیه، بلاروس، کرواسی، الجزایر، قیرقیزستان و فیلیپین بی‌هیچ ابهامی از مشارکت مدنی پایینی برخوردارند. سرانجام اینکه موردهای واقع در خوشه نهم شامل کشورهای بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، لیتوانی، پرتغال، سنگاپور، رومانی، ترکیه، گرجستان، مصر و اردن، بی‌هیچ ابهامی مشارکت مدنی‌شان در سطح خیلی پایینی بوده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی موردها برحسب مشارکت مدنی

خوشه	کشور	برچسب زبانی
اول	هند، آمریکا، کانادا، آفریقای جنوبی، سوئیس، اندونزی، نیوزیلند، انگلستان، مکزیک، استرالیا، سوئد، نروژ، فنلاند	مشارکت مدنی خیلی بالا
دوم	هلند، لوکزامبورگ، ایرلند، بنگلادش، دانمارک، ایسلند، برزیل، شیلی، تایلند، آلمان	مشارکت مدنی بالا
سوم	ایران، مالزی، ویتنام، ایتالیا، کره جنوبی، اسلوانی، زامبیا، فرانسه	مشارکت مدنی بیشتر بالا تا پایین
چهارم	ژاپن، آرژانتین، مالی	مشارکت مدنی تاحدودی بالا
پنجم	پرو	مشارکت مدنی متوسط
ششم	کلمبیا، عربستان، بلژیک، لهستان، ارمنستان	مشارکت مدنی تا حدودی پایین
هفتم	آلبانی، اتریش، جمهوری چک، یونان، ایرلند، لوکزامبورگ، اسلواکی، اوگاندا، ونزوئلا، اسپانیا، چین، اروگوئه، آذربایجان، پاکستان	مشارکت مدنی بیشتر پایین تا بالا
هشتم	اکوادور، عراق، اکراین، روسیه، بلاروس، کرواسی، الجزایر، قبرقیزستان، فیلیپین	مشارکت مدنی پایین
نهم	بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، لیتوانی، پرتغال، سنگاپور، رومانی، ترکیه، گرجستان، مصر، اردن	مشارکت مدنی خیلی پایین

منبع: محاسبات نویسندگان

جدول ۵ توزیع فراوانی موردهای مطالعه شده را برحسب میزان عضویت در مجموعه کشورهای غیررانتی نشان می‌دهد. شواهد تجربی موجود دلالت بر آن دارند که تمام کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش عضوی از مجموعه کشورهای غیررانتی می‌باشند، اما به لحاظ نوع عضویت (تمایزات کیفی) و درجه عضویت (تفاوت‌های کمی) در مجموعه کشورهای کاملاً غیررانتی، می‌توان گفت که موردهای واقع در خوشه اول، شامل کشورهای دانمارک، انگلستان، نروژ، نیوزیلند، ایسلند و سوئیس بی‌هیچ ابهامی کشورهای کاملاً غیررانتی هستند. موردهای واقع در خوشه دوم، شامل کشورهای هلند، ایرلند، آفریقای جنوبی، بلژیک، کانادا، لوکزامبورگ، استرالیا و ایتالیا بی‌هیچ ابهامی کشورهای غیررانتی هستند. موردهای واقع در خوشه سوم، شامل فرانسه، فنلاند، کرواسی، مراکش، بوسنی و هرزگوین، پرتغال، ترکیه، ژاپن، سوئد، اسلوانی، امریکا، بلاروس، بلغارستان، آلمان و ویتنام بیشتر غیررانتی هستند تا رانتی. موردهای واقع در خوشه چهارم، شامل کشورهای اتریش، آلبانی، اردن، اروگوئه، چک، شیلی، لیتوانی، تایلند، مالزی، چین، یونان، لهستان کم و بیش کشورهای غیررانتی هستند. موردهای واقع در خوشه پنجم از نهایت ابهام برخوردارند. یعنی کشورهای برزیل، اکراین، اسلواکی، ارمنستان، کره جنوبی نه رانتی تلقی می‌شوند و نه غیررانتی. موردهای واقع در خوشه ششم شامل کشورهای آرژانتین، سنگاپور، روسیه، پرو، مصر، مالی، قیرقیزستان، فیلیپین، اسپانیا، رومانی کم و بیش رانتی هستند. موردهای واقع در خوشه هفتم، شامل کشورهای بنگلادش، پاکستان، آذربایجان، مکزیک، گرجستان، کلمبیا، هند، اوگاندا بیشتر رانتی هستند تا غیررانتی. موردهای واقع در خوشه هشتم شامل کشورهای عربستان، ایران، زامبیا، الجزایر، اندونزی، اکوادور بی‌هیچ ابهامی رانتی هستند. سرانجام

اینکه موردهای واقع در خوشه نهم شامل کشورهای عراق، رواندا، ونزوئلا بی هیچ ابهامی کشورهای کاملاً رانتی هستند.

جدول ۵- توزیع فراوانی موردها برحسب درآمدهای غیررانتی دولت

خوشه	کشور	برچسب زبانی
اول	دانمارک، انگلستان، نروژ، نیوزیلند، ایسلند، سوئیس	کاملاً غیررانتی
دوم	هلند، ایرلند، آفریقای جنوبی، بلژیک، کانادا، لوکزامبورگ، استرالیا و ایتالیا	غیررانتی
سوم	فرانسه، فنلاند، کرواسی، مراکش، بوسنی و هرزگوین، پرتغال، ترکیه، ژاپن، سوئد، اسلوانی، امریکا، بلاروس، بلغارستان، آلمان، ویتنام	بیشتر غیررانتی تا رانتی
چهارم	اتریش، آلبانی، اردن، اروگوئه، چک، شیلی، لیتوانی، تایلند، مالزی، چین، یونان، لهستان	کم و بیش غیر رانتی
پنجم	برزیل، اکراین، اسلواکی، ارمنستان، کره جنوبی	بینابین
ششم	آرژانتین، سنگاپور، روسیه، پرو، مصر، مالی، قیرقیزستان، فیلیپین، اسپانیا، رومانی	کم و بیش رانتی
هفتم	بنگلادش، پاکستان، آذربایجان، مکزیک، گرجستان، کلمبیا، هند، اوگاندا	بیشتر رانتی تا غیررانتی
هشتم	عربستان، ایران، زامبیا، الجزایر، اندونزی، اکوادور	رانتی
نهم	عراق، رواندا، ونزوئلا	کاملاً رانتی

داوری در باب فرضیات پژوهش

برای ارزیابی و آزمون فرضیه‌های پژوهش از شاخص‌های فازی سازگاری^۲ و پوشش^۳ استفاده شده است.^۴

فرضیه اول: اعتماد اجتماعی شرط لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است، به‌گونه‌ای که مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب زیرمجموعه، مجموعه کشورهای با اعتماد اجتماعی بالا هستند.

جدول ۶- تحلیل علی روابط دو مجموعه اعتماد اجتماعی و حکمرانی خوب

۱. برای آزمون فازی شرط لازم دو نوع آزمون وجود دارد: آزمون قطعی و آزمون احتمالی. شیوه آزمون به نحوی است که با همزمان هر دو آزمون اجرا می‌شود و یا انتخابی یکی از این دو نوع آزمون. آزمون قطعی شرط لازم با یک مورد ناسازگار رد می‌شود ولی آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت قابل تفسیر است. مقدار شاخص‌های سازگاری و پوشش در آزمون احتمالی بین ۰ تا ۱ در نوسان است. در آزمون قطعی، ملاک قبولی فرضیات این است که شاخص سازگاری برابر یک باشد ولی در آزمون احتمالی در سطوح معناداری متفاوت، ملاک قبولی فرضیات تا ۰/۷۵ در مطالعات کلان نیز مورد قبول است. برای شناخت بیشتر به آثار چارلز راگین که در فهرست منابع آورده شده است، مراجعه شود.

۲. Consistency

۳. Coverage

۴. شاخص سازگاری بیانگر این است که معلول یا نتیجه تا چه میزان در مجموعه شرط لازم عضویت داشته و چه میزان خارج از آن است. این شاخص رابطه دو مجموعه را براساس شرط لازم و نتیجه توضیح می‌دهد (ر.ک. به: راگین ۱۹۸۷، ۲۰۰۴؛ برومولر و گورتز، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶؛ چلبی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸). بر مبنای اصل سازگاری، شواهد تجربی به طور کامل از اصل زیرمجموعه پیروی می‌کنند. طبق این اصل همه مصادیق نتیجه به لحاظ نظری، زیرمجموعه‌ای از مجموعه مصادیق شرط لازم را تشکیل می‌دهند. در واقع شاخص سازگاری، معرف میزان اهمیت نظری رابطه مجموعه‌هاست. شاخص دیگری که برای سنجش رابطه دو مجموعه استفاده شده است، شاخص پوشش است. شاخص پوشش مکمل شاخص سازگاری است (ر.ک. به: راگین، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶؛ چلبی، ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸). این شاخص بیانگر میزان اهمیت شرط لازم برای وقوع نتیجه است. پوشش کم، نشان‌دهنده بی‌اهمیتی شرط لازم است. بنابراین چنین شرطی فاقد اهمیت تجربی است. براساس استدلال ارائه شده می‌توان گفت دو شاخص سازگاری و پوشش در مجموع کمک می‌کنند، شروط باسازگاری پایین (شروط فاقد ارزش نظری) و شروط با پوشش پایین (شروط فاقد ارزش تجربی)، شناسایی شوند.

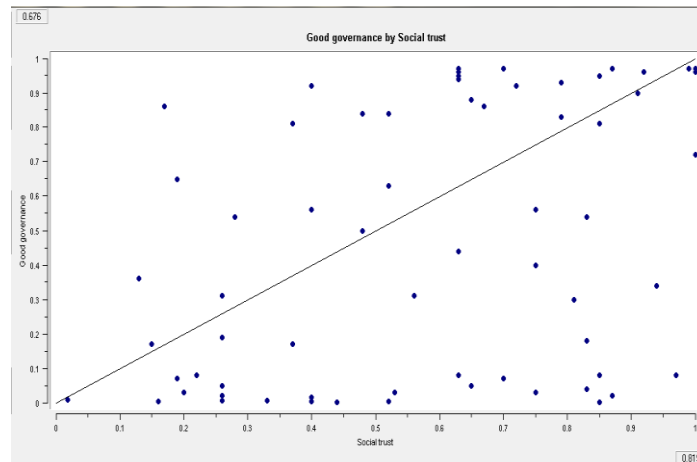
تحلیل علی شرط لازم و معلول: حکمرانی خوب با اعتماد اجتماعی		
پوشش	سازگاری	شرط علی مورد آزمون
۰/۶۸	۰/۸۲	اعتماد اجتماعی

جدول ۶ رابطه فازی این دو مجموعه را نشان می‌دهد. داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه اعتماد اجتماعی و حکمرانی خوب دلالت بر آن دارد که شاخص سازگاری بین این دو مجموعه برابر با ۰/۸۲ می‌باشد. این ارزش نشان می‌دهد که ۸۲ درصد مورد‌های مطالعه شده، این ادعا را تایید می‌کنند که سرمایه اجتماعی شرطی لازم و نه کافی بر حکمرانی خوب است. براین اساس می‌توان مدعی شد که شواهد تجربی برای این استدلال علی قطعی که اعتماد اجتماعی شرط لازم برای حکمرانی خوب است، دلالت حمایتی کامل ندارند. اما چون نسبت مشاهده شده بزرگتر از معیار مشخص شده است، می‌توان گفت که اعتماد اجتماعی شرطی تقریباً همیشه لازم بر حکمرانی خوب است. شاخص پوشش بین دو مجموعه اعتماد اجتماعی و حکمرانی خوب برابر با ۰/۶۸ است که بیانگر میزان اهمیت اعتماد اجتماعی برای حکمرانی خوب است. اگر با استفاده از نمودار ون، رابطه بین این دو مجموعه نشان داده شود ۶۸ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط اعتماد اجتماعی پوشانده می‌شود. بدین ترتیب اعتماد اجتماعی ۶۸ درصد از عضویت کل مجموعه حکمرانی خوب را پوشش داده است.

یکی از ملاک‌های ارزیابی فازی شرط لازم، قرارگرفتن همه مصادیق زیر نمودار و شکل‌گیری یک الگوی مثلثی زیر آن است. نمودار زیر پراکندگی ارزش‌های فازی اعتماد اجتماعی و حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. قرارگرفتن ۱۸ درصد از موارد در

۱. چارلز ریگین (۲۰۰۰). برای ارزیابی شروط لازم و کافی ملاک‌های متعددی ارائه کرده است: مانند ملاک ۰/۸۰ (تقریباً همیشه: (Almost allways)، ۰/۶۵ (معمولاً: Usally)

بالای سمت راست نیمساز محور، نشان دهنده موارد ناسازگار با ادعای پژوهش است. این موارد بیانگر آن است که در نبود اعتماد اجتماعی بالا نیز می‌شود، حکمرانی خوب داشت. پراکندگی نقاط دال بر نزدیکی و دوری عضویت اعضا در مصادیق مربوطه است. پراکندگی نقاط این مثلث نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی علتی تام برای وقوع حکمرانی خوب نیست، بلکه شرایط لازم دیگری برای حکمرانی خوب وجود دارد که اگر با اعتماد اجتماعی ترکیب شوند، نقاط به محور اصلی نزدیکتر و حتی روی آن قرار می‌گیرند.



نمودار ۱- دیاگرام ارتباط فازی زیرمجموعه‌ای اعتماد اجتماعی و حکمرانی خوب

فرضیه دوم: مشارکت مدنی شرط لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است، به گونه‌ای که مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب، زیرمجموعه، مجموعه کشورهای با مشارکت مدنی بالا هستند.

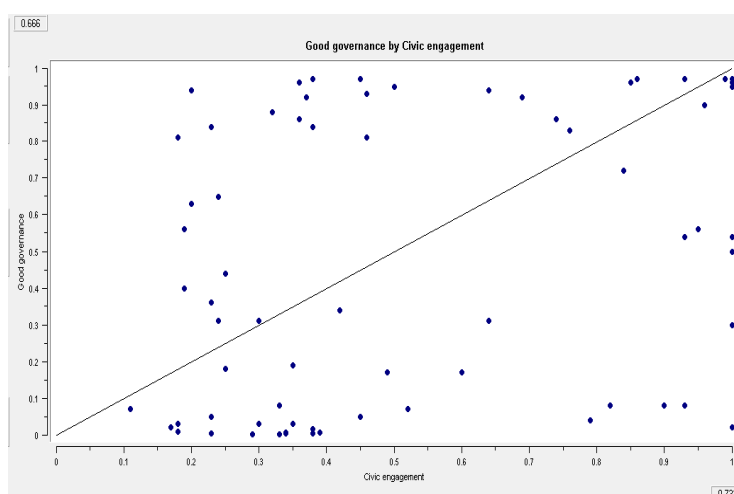
جدول ۷- تحلیل علی روابط دو مجموعه مشارکت مدنی و حکمرانی خوب

تحلیل علی شرط لازم و معلول: حکمرانی خوب با مشارکت مدنی		
پوشش	سازگاری	شرط مورد آزمون
۰/۶۷	۰/۷۳	مشارکت مدنی

جدول ۷ رابطه فازی این دو مجموعه را نشان می‌دهد، داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه مشارکت مدنی و حکمرانی خوب دلالت بر آن دارد که شاخص سازگاری بین این دو مجموعه برابر با ۰/۷۳ می‌باشد. این ارزش نشان می‌دهد که فقط ۷۳ درصد موردهای مطالعه شده، این ادعا را تایید می‌کنند که مشارکت مدنی شرطی لازم و نه کافی بر حکمرانی خوب است. براین اساس می‌توان مدعی شد که شواهد تجربی برای این استدلال علی قطعی که مشارکت مدنی شرط لازم برای حکمرانی خوب است، دلالت حمایتی کامل ندارند و مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب زیرمجموعه کامل مجموعه کشورهای با مشارکت مدنی بالا نیستند. با این وجود، چون نسبت مشاهده شده بزرگتر از معیار مشخص شده است، می‌توان گفت که مشارکت مدنی شرطی معمولاً لازم بر حکمرانی خوب است. شاخص پوشش بین دو مجموعه مشارکت مدنی و حکمرانی خوب برابر با ۰/۶۷ است که بیانگر میزان اهمیت مشارکت مدنی برای تحقق حکمرانی خوب است. اگر با استفاده از نمودار ون، رابطه بین این دو مجموعه نشان داده شود ۶۷ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط عامل مشارکت مدنی پوشانده می‌شود. بدین ترتیب شرط علی مشارکت مدنی ۶۷ درصد از عضویت کل مجموعه حکمرانی خوب را پوشش داده است.

یکی از ملاک‌های ارزیابی فازی شرط لازم، قرارگرفتن همه مصادیق زیر قطر اصلی نمودار و شکل‌گیری یک الگوی مثلثی زیر آن است. نمودار زیر پراکندگی

ارزش‌های فازی مشارکت‌مدنی و حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. قرارگرفتن ۲۷ درصد از موارد در بالای سمت راست نیمساز محور، نشان دهنده عدم سازگاری کامل بین دو مجموعه مشارکت‌مدنی و حکمرانی خوب است. پراکندگی نقاط دال بر نزدیکی و دوری عضویت اعضا در مصادیق مربوطه است. پراکندگی نقاط نشان می‌دهد که مشارکت‌مدنی علّتی تام برای وقوع حکمرانی خوب نیست، بلکه شرایط علی و عوامل دیگری برای حکمرانی خوب وجود دارند که اگر با مشارکت‌مدنی ترکیب شوند، نقاط به محور اصلی نزدیکتر و حتی روی آن قرار می‌گیرند.



نمودار ۲- دیاگرام ارتباط فازی زیرمجموعه‌ای مشارکت‌مدنی و حکمرانی خوب

فرضیه سوّم: درآمدهای غیررانتی شرط لازم و نه کافی برای حکمرانی خوب است، به‌گونه‌ای که مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب، زیرمجموعه، مجموعه کشورهای غیررانتی هستند.

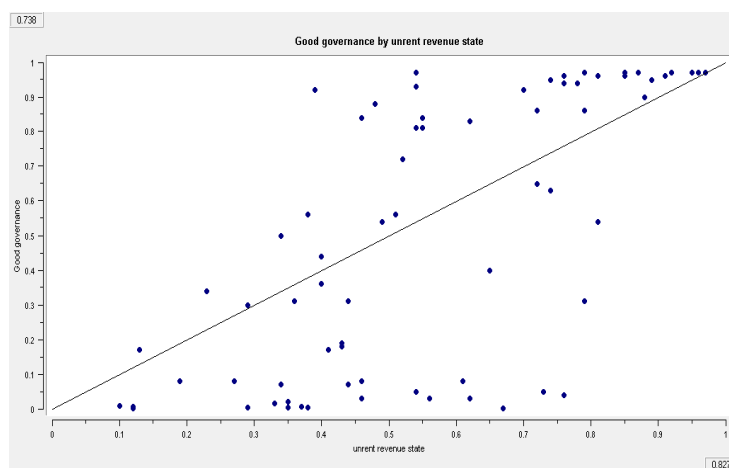
جدول ۸- تحلیل علی روابط دو مجموعه درآمدهای غیررانتی دولت و حکمرانی خوب

تحلیل علی شرط لازم و معلول: حکمرانی خوب و درآمدهای غیررانتی دولت		
پوشش	سازگاری	شرط علی مورد آزمون
۰/۷۳	۰/۸۳	درآمدهای غیررانتی دولت

جدول ۸ رابطه فازی این دو مجموعه را نشان می‌دهد. داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه نشان می‌دهد که سازگاری بین این دو مجموعه برابر با ۰/۸۳ می‌باشد. این ارزش نشان می‌دهد که ۸۳ درصد موردهای مطالعه شده، این ادعا را تایید می‌کنند که درآمدهای غیررانتی دولت، شرطی لازم و نه کافی بر حکمرانی خوب است. براین اساس می‌توان مدعی شد که شواهد تجربی برای این استدلال علی قطعی که درآمدهای غیررانتی دولت شرط لازم برای حکمرانی خوب است، دلالت حمایتی کامل ندارند و مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب زیرمجموعه کامل مجموعه کشورهای غیررانتی نیستند. اما چون نسبت مشاهده شده بزرگتر از معیار مشخص شده است، می‌توان گفت که درآمدهای غیررانتی شرطی تقریباً همیشه لازم برای حکمرانی خوب می‌باشد. شاخص پوشش درآمدهای غیررانتی دولت با حکمرانی خوب برابر با ۰/۷۳ است که بیانگر میزان اهمیت عامل درآمدهای غیررانتی دولت برای حکمرانی خوب است. اگر با استفاده از نمودار ون، رابطه بین این دو مجموعه نشان داده شود ۷۳ درصد از فضای حکمرانی خوب توسط درآمدهای غیررانتی دولت پوشانده می‌شود. بدین ترتیب شرط علی درآمدهای غیررانتی دولت ۷۳ درصد از عضویت کل مجموعه حکمرانی خوب را پوشش داده است.

یکی از ملاک‌های ارزیابی فازی شرط لازم، قرارگرفتن همه مصادیق زیر قطر اصلی نمودار و شکل‌گیری یک الگوی مثلثی زیر آن است. نمودار زیر پراکندگی ارزش‌های فازی درآمدهای غیررانتی دولت و حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. قرارگرفتن ۱۷ درصد از موارد در بالای سمت راست نیمساز محور، نشان دهنده عدم سازگاری کامل بین دو مجموعه است. پراکندگی نقاط دال بر نزدیکی و دوری عضویت

اعضا در مصادیق مربوطه است. پراکندگی نقاط نشان می‌دهد که درآمدهای غیررانتی دولت علتی تام برای وقوع حکمرانی خوب نیست، بلکه شرایط علی و عوامل دیگری برای حکمرانی خوب وجود دارد که اگر با درآمدهای غیررانتی دولت ترکیب شوند، نقاط به محور اصلی نزدیکتر و حتی روی آن قرار می‌گیرند.



نمودار ۳- دیاگرام ارتباط فازی زیرمجموعه‌ای درآمدهای غیررانتی دولت و حکمرانی خوب

فرضیه چهارم: ترکیب عطفی درآمدهای غیررانتی دولت با مشارکت مدنی بالا و اعتماد اجتماعی بالا ترکیب علی لازم برای حکمرانی خوب است.

جدول ۹- تحلیل ترکیب علی روابط دو مجموعه بر مبنای شرط لازم

تحلیل علی شرایط لازم و معلول: حکمرانی خوب با اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و درآمدهای غیررانتی دولت		
شرایط علی مورد آزمون	سازگاری	پوشش
اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی و درآمدهای غیررانتی دولت	۰/۸۷	۰/۷۵

جدول ۹ رابطه فازی دو مجموعه اشتراک اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و درآمدهای غیررانتی دولت با حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. داده‌های تجربی ناظر بر رابطه فازی دو مجموعه نشان می‌دهد که سازگاری بین این دو مجموعه برابر با $0/87$ می‌باشد. این ارزش نشان می‌دهد که 87 درصد موردهای مطالعه شده، این ادعا را تایید می‌کنند که ترکیب عاطفی اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و درآمدهای غیررانتی دولت، ترکیب علی لازم و نه کافی بر حکمرانی خوب است. براین اساس می‌توان مدعی شد که شواهد تجربی برای این استدلال علی قطعی که ترکیب علی یاد شده، ترکیب علی لازم و کافی برای حکمرانی خوب است، دلالت حمایتی کامل ندارد و مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب زیرمجموعه کامل مجموعه کشورهای غیررانتی با اعتماد اجتماعی بالا و مشارکت مدنی بالا نیستند. اما با 95 درصد اطمینان می‌توان گفت که این ترکیب، ترکیب علی تقریباً همیشه لازم برای حکمرانی خوب می‌باشد. شاخص پوشش یا عمومیت این ترکیب علی با حکمرانی خوب برابر با $0/75$ است که بیانگر میزان اهمیت این ترکیب علی برای حکمرانی خوب است. به عبارت دیگر 75 درصد از فضای خاصیت حکمرانی خوب توسط اشتراک سه عامل درآمدهای غیررانتی و اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی پوشانده شده است. بر مبنای این یافته‌ها می‌توان دآوری کرد که 75 درصد از واریانس کیفیت حکمرانی توسط اشتراک سه عامل درآمدهای غیررانتی دولت و اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی تبیین شده است. 13 درصد از موارد، ادعای پژوهش را تأیید نکردند که نشان دهنده عدم سازگاری کامل بین دو مجموعه است. این موارد ناسازگار نشان می‌دهد که ترکیب علی درآمدهای غیررانتی دولت با مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی ترکیب علی تام برای وقوع حکمرانی خوب نیست، بلکه شرایط علی و عوامل دیگری برای حکمرانی خوب وجود دارد که اگر به این ترکیب اضافه شوند، می‌توانند کل واریانس کیفیت حکمرانی را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری

مسأله این پژوهش، تفاوت‌پذیری کشورها به لحاظ حکمرانی خوب است. در بخش ادبیات نظری تمام تئوری‌های بیان شده به‌عنوان دانش نظری و پژوهش‌های گذشته به‌عنوان دانش تجربی براین نکته تأکید داشتند که حکمرانی خوب پدیده‌ای چند بُعدی و چند علیتی است که نمی‌توان تبیین تک عاملی از آن ارائه داد. بنابراین در تدوین الگوی نظری پژوهش تأکید شد که حکمرانی خوب تابعی از عوامل اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی و درآمدهای غیررانتی دولت است. بر مبنای این الگوی نظری، استدلال منطقی این چنین بیان گردید که ترکیب عطفی عوامل یاد شده ترکیب علی لازم و کافی برای تحقق حکمرانی خوب می‌باشد.

یافته‌های تجربی این پژوهش نشان داد که اعتماد اجتماعی و درآمدهای غیررانتی دولت شروط علی منفرد تقریباً همیشه لازم و مشارکت مدنی شروط منفرد معمولاً لازم برای حکمرانی خوب هستند. به لحاظ سازگاری بین مجموعه‌های بیان شده، اعتماد اجتماعی و درآمدهای غیررانتی دارای سازگاری بیشتری با مجموعه کشورهای با حکمرانی خوب هستند. بطوری که شاخص سازگاری آنها به ترتیب برابر با ۰/۸۲ و ۰/۸۳ می‌باشد. فقط ۱۸ درصد موارد با ادعای پژوهش ناسازگار بوده‌اند. به لحاظ اهمیت تجربی، عامل درآمدهای غیررانتی با اهمیت‌ترین عامل می‌باشد، زیرا با شاخص پوشش ۰/۷۳، بیشترین فضای خاصیت حکمرانی خوب را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب شرط علی درآمدهای غیررانتی دولت ۷۳ درصد از عضویت کل مجموعه حکمرانی خوب را پوشش داده است. پس این استدلال که دسترسی دولت به درآمدهای رانتی موجب به هم زدن تعامل ارگانیک دولت و جامعه و افزایش استقلال دولت از جامعه می‌گردد، با این یافته تجربی پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ترکیب عطفی اعتماد اجتماعی بالا و مشارکت مدنی بالا و درآمدهای غیررانتی توانست تأیید تجربی ۸۷ درصد موارد را کسب کند. ۸۷ درصد از موارد مطالعه شده

سازگاری بین این ترکیب عاطفی با حکمرانی خوب را تأیید کردند. به لحاظ اهمیت تجربی نیز این ترکیب عاطفی دارای اهمیت تجربی بالایی است، زیرا با شاخص پوشش ۰/۷۵، بیشترین فضای خاصیت در مجموعه حکمرانی خوب را به خود اختصاص داده است. بطوری که ۷۵ درصد از واریانس کیفیت حکمرانی توسط اشتراک این سه عامل تبیین شده است. یافته‌های تجربی این پژوهش علاوه بر حمایت تجربی از استدلال نظری پژوهش، تأیید تجربی بر نتایج پژوهش‌های پاتنام، نایک و برژنف درباره رابطه سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب و نتایج پژوهش‌های پیتراوانز، مک‌مور، جسوب، هابسون و فریدمن درباره رابطه دسترسی یا عدم دسترسی دولت به درآمدهای رانته و تأثیر آن بر کیفیت حکمرانی و کارآمدی آن می‌باشد.

براساس یافته‌های این پژوهش باید گفت که حکمرانی خوب نیازمند تعامل ارگانیک دولت با جامعه است. شرایط علی این تعامل را می‌توان در تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت مدنی جست و جو کرد. البته در این وضعیت نوع منابع اقتصادی دولت مهم است. اگر سطح دسترسی دولت به درآمدهای رانته بیشتر باشد برخورداری دولت از درآمدهای رانته با ایجاد گسست بین دولت و جامعه مانع پیوند ارگانیک دولت با جامعه شده و توازن و توزیع قدرت بین آنها ایجاد نخواهد شد که پیامد آن حکمرانی بد خواهد بود. اما اگر دسترسی دولت به منابع اقتصادی رانته محدود باشد دولت برای تحقق مدیریت مطلوب ناچار است با مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌گیری و ایجاد اعتماد اجتماعی در بین مردم، ضمن استخراج منابع اقتصادی لازم، به توزیع و توازن قدرت در جامعه کمک کند. ترکیب این شرایط تحقق حکمرانی خوب در جامعه را تسهیل خواهد کرد.

- آرون، ریمون. (۱۳۸۶)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
- ابراهیم‌بای سلامی، غلامحیدر. (۱۳۸۶)، *مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی*، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰ بهار.
- اینگلهارت، رونالد؛ کریستین ولزل. (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- اوانز، پیتر. (۱۳۸۲)، *توسعه یا چپاول، نقش دولت در تحول صنعتی*، ترجمه: عباس مخبر و عباس زندباف، تهران: نشر طرح نو.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰)، *دولت عقل؛ ده گفتار در جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: انتشارات علوم نوین.
- بلاندن، ژان. (۱۳۷۸)، *حکومت مقایسه‌ای*، ترجمه: علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات سلام، چاپ اول.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۷۶)، *رانت، دولت رانتی و رانتیریسیم؛ یک بررسی مفهومی*، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۲-۱۰۳.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۸)، *شاخص‌سازی تایع عضویت فازی، نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی*، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۴.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶)، *روش تطبیقی کیفی*، جزوه درسی دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

- چیلکوت، رونالد. (۱۳۷۷)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا ظیب، تهران: نشر رسا، چاپ اول.
- جیاکومو، لوسیانی. (۱۳۷۴)، درآمد ثابت نفتی، بحران مالی دولت و گرایش به دمکراسی، *فصلنامه خاورمیانه*، سال دوم، شماره دوم.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۳)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ سوم.
- راگین، چارلز. (۱۳۸۸)، *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه: محمد فاضلی، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- روشنفکر، پیام. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، مدنیت و عملکرد نهادی، *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۲.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶)، *دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- ساعی، علی. (۱۳۸۶)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی: با رهیافت عقلانیت انتقادی*، انتشارات سمت.
- ساعی، علی. (۱۳۸۸)، معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن در علوم اجتماعی، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره سوم، شماره ۴.
- سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۸۷)، اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۵۹-۲۶۰.
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و اقتصادی، *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۲.
- شکاری، عبدالقیوم. (۱۳۷۹)، *دولت رانتیر و رژیم پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

- شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۳)، نقش دولت در حکمرانی خوب، تحلیل و امکان‌سنجی آن در ایران، رساله دکتری رشته مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۸)، آزمون فازی فرضیات شرط لازم و شرط کافی در علوم اجتماعی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۴.
- عطار، سعید. (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، جامعه‌مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹)، پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی تهران: نشر جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- فیلد، جان. (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۴)، حکمرانی خوب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران، تهران: موسسه آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۸۷)، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم، چاپ اول.
- میدری، احمد و خیرخواهان جعفر. (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لفت‌ویچ، آدریان. (۱۳۸۵)، دولت‌های توسعه‌گرا: پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه: جواد افشار کهن، مشهد طرح مرن‌دیز.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی: جهان زیست و نظام، ترجمه: کمال پولادی، تهران: انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول.

تحلیل تطبیقی کیفیت حکمرانی ... ۱۰۷

- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشرعلم، چاپ دوم.
- Boix, Carles and Daniel N. Posner. (2002). **Social Capital: Explaining Its Origins and Effects on Government Performance**, Department of Political Science and Economics, Harvard University
- Bowles, Samuel and Gintis, Herbert. (2000). **Social Capital and Community Governance**, Department of Economics University of Massachusetts, Amherst, Massachusetts, December
- Braumoeller, Bear and Gary Goertz. (2000). The methodology of necessary conditions, **American Journal of Political Science**, 44.
- Campbell, J.L. (1993). **The State and Fiscal Sociology**, Annual Review of Sociology 19.
- Coiller & Hoeffler. (1998). **On Economic Causes of Civil War**, vol 50, Oxford Economic Papers.
- Diamond, Larry. (2004). **The Imperativ of Good Democratic Governance**, May
- Easton, David. (1953). **The Political System: An Inquiry in to the State of Political Science**. New York: Alfred A. Knopf
- Easton, David. (1965). **A Framework for Political Analysis**. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.
- Goertz, Gary and Harvey Starr, editors. (2002). **Necessary Conditions: Theory, Methodology, and Applications**. New York : Rowman & Littlefield.
- Hobson, J. (1997). **The Wealth of Nations: A Comparative Sociology of Intrnational Economic and Political Change**. Cambridge University Press.

- Imran Sharif Chaudhry and Shahnawaz Malik and Khurram Nawaz Khan and Sohail Rasool. **Factors Affecting Good Governance in Pakistan: An Empirical Analysis**, Bahauddin Zakariya University Multan , Pakistan.
- Jackman, Robert. (1985). Cross – National Statistical Research and The Study of Comparative Politics , **American Journal of Political Science**, 29 (1).
- Jessop, Bob. (1999). **Review, American Political Science Review**, 93 (1).
- Knack, S. (2001). Aid Dependence and Quality of Governance: Cross-country Empirical tests, **Southern Economic Journal**, 68 (2).
- Kaufman, Daniel, Kraay, Art and Mastruzzi, Massimo. (2009). **Governance Matter**, VIII: Governance Indicator for 1996-2009.
www.worldbank.org/wbi/governance/govdata
- Kuldeep, Mathur. (2001). **Good Governance State and Democracy**, professor, Center For Political Studies, Jawaharlal Nehru University, New Delhi.
- Newton, Kenneth. (2004). Social Trust ... , **Portugese Journal of Social Sciences**, Vol. 3, No.1.
- Mackie, John L. (1965). **Causes and Conditionals. American Philosophical Quarterly** 2.
- Mafunisa, M.J. (2004). **The Role of Civil Society in Promoting Good Governance in the South Africa**, International Review of Administrative Sciences, Vol.70 (3)..
- Mancur, Olson. (1982). **The Raise and Decline of Nations**, New Haven: Yale University Press.
- Maclaren, Lauren M. (2006). **A time Test of the Requirement of Social Capital in Making Democracy work in Italy**, Political Studies, Vol. 54.

- Migdal, Joel. (1988). **Strong Societies and Weak State: Society Relations and State Capabilities in the Third World**, Princeton University Press.
- Monty .G .Marshall and Benjamin R . Cole. (2009). **Global Report conflict**, Governance and stat fragility, center of Global Policy.
- Moore, M. (1998). **Death Without Taxes: Democracy, State Capacity , and Aid Dependence in the Fourth World** , Oxford University Press.
- Moore , M. (2004). **Revenues, State Formation, and the Quality of Governance in Developing Countries**, Internatinal Plitical Science Review, Vol 25, No. 3.
- Paxton Pamela. (2002). **Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship**, American Sociological Review 67.
- Plumptre, Tim and Graham ,John. (2002). **Governance and Good Governance: International and Aboriginal Perspectives**, Institute on Governance
- Putnam ,Robert. (1984). **Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy**, Princeton, Princeton University Press
- Ragin , Charles. (2000). **Fuzzy-Set Social Science**. Chicago: University of Chicago press
- Ragin , Charles. (2006). **Redesigning Social Inquiry: Set Relations in Social Research**
- Ragin, Charles and etal. (2006). **Users Guide to Fuzzy-set/Qualitative Comparative Analysis**, Version 2. WWW.fsqca.com
- Rice, Tom W. (2001). Social Capital & Government Performance In Iowa. Communities, **Journal of Urban Affairs**,Vol.23,No.3-4.
- Robert ,Axelrod. (1984). **The Evolution of Cooperation**, New York: Basic Books
- Ross,M.L. (2001). **Does Oil Hinder Democracy?** World politics 53 (3).

- Roos, M.L. (2004). Does Taxation Lead to Representation? **British Journal of Political Science**.
- Sampson, Robert. (etal). (2005). Civil Society Rethinking..., **American Journal of Sociology**, Vol.111, No 3.
- Stowe, Kenneth. (1992). **Good Piano Wont play bad Musice: Administrative Reform and Good Governance**, public Administration, vol,70.
- Un- Escap . (1998). **What is Good Governance?** Bangkok Thailand.
- WorldBank. (2006). **worldbank.org/governance /indicator.asp**
- Yap Kioe Sheng Chief. (2000). **Wath is Good Governance?**, United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
www.worldvaluessurvey.org
- Wantchekon, L. (2000). **Why Do Resource Abundant Countries Have Authoritarian Governments?** Paper Presented at the American Political Science Association Annual Conference, Washington, Dc.
- World value survey, Institute for social Research, The university Michigan.